

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

دربزرگاری هر چه باشکوهرتر  
مراسم اول ماه مه  
(روز جهانی کارگر) بکوشیم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۲۰ صفحه ۳۰ ریال

اردیبهشت ماه ۱۳۶۰

سال سوم - ویژه روز جهانی کارگر



”کارگران سراسر جهان متحد شوید  
زنجیرهای بندگی را بکشاید  
شما با ارتش های بزرگ خود میتوانید  
بر هر خود کامگی فائق آئید“  
برتولت برشت

کارگران مبارز!

اول ماه مه روز جهانی  
کارگر فرارسیده است. در این روز  
کارگران سراسر جهان تا دو همبستگی  
بین المللی خود را در مبارزه علیه  
ظلم و ستم، استعمار فردا ز فرد، علیه  
فقرو گرسنگی و مپا رزه برای برهمنی  
از بند ستم و استعمار جشن میگیرند.  
در این مبارزه سترگ دودنیار و  
در روی یکدیگر قرار گرفته است،  
دنیا و کارودنیا سرمایه دنیای

سوسیالیسم و سرمایه داری، دنیای  
برابری، برادری و آزادی دودنیای  
فقرو بدبختی، استعمار و بندگی.  
در یکسوی کمشت پولدار زوال و صفت  
قرار دارند، که زمینها، کارخانجات،  
مزارع، معدن و وسایل تولید را به  
مالکیت خصوصی خود در آورده اند و از  
استثمار کارگران روزحمتکشان و غارت  
خلقها و تحت ستم زندگی میکنند.  
کارگران روزحمتکشان خلقها و تحت ستم  
بقیه در صفحه ۲

★ گرامی باد اول ماه مه  
(۱۱ اردیبهشت) روز  
همبستگی جهانی کارگران

روز اول ماه مه سال ۱۸۸۶ خیا بانهای  
شهر شیکاگو در آمریکا بزرگترین  
سنگین و استوار کارگران خشمگین و  
اعتماد بی میلرزید. کارگران پس از  
سالها تجربه و مبارزه فهمیده بودند  
بقیه در صفحه ۲

★ بررسی مختصری

از مبارزات کارگران

در صفحه ۱۵ صنعت نفت

★ بررسی مختصر

جنبش کارگری ایران

در صفحه ۹

برای گسترش مبارزه ضد امپریالیستی اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)  
را به روز مبارزه علیه سرکوب و اختناق و ایجاد شوراهای انقلابی  
تبدیل کنیم

# کارگران سراسر جهان متحد شوید

بند از محمد ا

را سرکوب می کنند و بدحتی خلقها  
تجا و ز می نمایند.  
در سوی دیگر افسانها فی قرار دارند  
کدام کاروگرش خودآ تر هستند شما می  
شروشها یا جنما غی اند. افسانها کسی  
که برای محوا استشما روستم و بنسای  
سوسیا لیسیم کمونیسم مبارزه می کنند.  
افسانها کسی که با هرگونه بیعدالتی  
اجتماعی مخالفت و کاطعانه علیه هر  
گونه تبعیض مبارزه می کنند.

هدف و راستای مبارزه کارگران  
سراسر جهان یکی است و آنهم محو استم  
و استنما و استقرا و تحکیم سوسیالیسم  
کارگران برای برقراری نظامی مبارزه  
می کنند که در آن نیروی که با نیروی کار  
اجتماعی تولید می شود به حیطه سستی  
سرمایه داران منتقل می شود و متعلق  
به کسی نباشد که کار می کنند، زمینها  
کارخانه ها، مزارع، و کلیه وسائیل  
تولید به مالکیت جمعی عموم زحمتکشان  
درآید و نظامی دستاوردهای بشری در راه  
ارتقا، زندگی کارگران و همه زحمتکشان  
جامعه کارگرفته شود.

مبارزه دوران مبارزه کار علیه سرمایه  
تاکنون به دستاوردهای ارزنده ای  
ناشأ مده و در این راه فداکاریهای  
عظیمی بکاررفته و خونهای بسیاری  
جا ری گردیده است. امروز بیش از  
پیش ما هیبت ارتجاعی و گندیده دنیای  
سرمایه داران بر توده ها روشن میگردد و  
جبهه کار در پیشروی خود بسوی سوسیالیسم  
عمره را بردنیا سرمایه داران تنگ  
می کند و تناسبات قوا را بسودنیروهای  
که در راه رها می، دموکراسی سوسیالیسم  
می رزمند تغییر می دهد. امپریالیسم  
دچار بحرانهای سخت گشته و هر روز ضریب  
تا زه ای بر پیگرفتوت آن توسط نیرو  
های انقلابی فرود می آید و خلقها تحت  
ستم یکی پس از دیگری زبندستمرها  
گشته و در شاهره انوبین تکامل بشری قرار  
می گیرند.

در روز اول ماه مه کارگران سراسر  
جهان نیروی خود را متمرکز ساخته اتحاد  
و همبستگی و عزم را سخ خود را در مبارزه  
برای برابری، برادری و برابری اعلام  
می کنند. طنین شکوهمند مارش کارگران  
چه در کشورهایی که طبقه کارگر هنوز  
در بند است و استشما روکار مزدی سپر  
است و چه کشورهایی که کارگران برای  
خود را بدست آورده اند و در راه ایجاد  
سوسیالیسم کامیاب می گردند، آینه شده  
بس پرشگوهی را برای همه زحمتکشان  
نویدمی دهد.

مبارزه کارگران سراسر جهان در  
مارش شکوهمند انقلاب و مبارزه برای

رها می، دموکراسی و سوسیالیسم جای  
نا بسته ای دارند.

مبارزه را از طبقه کارگر و دیگرسر  
زحمتکشان یا براندر بهمن ماه سال ۱۹۱۷  
سرنوشتی بر زمین دیکتاتورهای آنجا  
هر چند بدلیل ضعف آگاهی و شکل طبقه  
کارگر هیری جنبش در دست نیروهای  
سارشا گرفتار گرفت و با سارشی که  
صورت پذیرفت قدرت سیاسی بطور  
عمده در دست بورژوازی متوسط قرار

گرفت و انقلاب به پیروزی نرسیده و در نتیجه  
راه منوفا ماند، اما آنچنان غربی تری  
بر پیگرفت بورژوازی وارد آمد که هنوز  
نتوانسته است بر پایا بستد. و ضد  
انقلاب نتوانسته است مقابله و  
مبارزه توده را در هم شکسته و انقلاب  
را از پای درآورد و به شکست قطعی سوق  
دهد، در نتیجه این تحولات سیاسی و  
تغییر وضعیت، میهن ما به صحنه حاد  
ترس سردها ی طبقه کارگر کشید  
انقلاب و ضد انقلاب تبدیل گردید.  
ضرباتی که بر پیگرفت بورژوازی ایران  
و آرگانهای قدرت دولتی آن فرود  
آمده همچنین ضرباتی بود که بر

منافع امپریالیسم جهانی  
بسرگردگی امپریالیسم آمریکا در منطقه  
وارد آمد، بگونه ای که نقش ژاندارمی  
ایران در منطقه که در گذشته رژیم شاه  
عهده دار آن بود از بین رفت و حاکمیت  
کنونی تنها قاره ای باقی ماند  
نیست بلکه حتی قاره حفظ "نظم"  
دلخواه سرمایه داران در درون کشور  
نیز نمی باشد.

این هو فقیبت عظیمی بود که طبقه  
کارگران ایران در انقلاب بدان دست  
یافت. با قیام بهمن ماه طبقه کارگر  
ایران توانست ضربه سنگینی بر  
بورژوازی وارد آورده و بخشی از حقوق  
خود را بدست آورد. پس از قیام برای  
نخستین بار شوراها ای کارگری بطور  
وسیعی در کارخانه ها شکل گرفت کارگران  
در موارد متعدد، خود مستقیما به  
مجازات خائنین و عنا سرسپرده -  
دست زدند، کنترل برخی کارخانه ها  
را بدست گرفتند، آزادی بیان، آزادی  
تشکل، آزادی اجتماع، نظرات و  
میتینگ، آزادی فعالیت سیاسی و...  
را به نیروی خویش بر حکومت تحمیل  
نمودند.

اما حاکمیت فدا انقلابی در جهت محو  
این دستاوردها و پایمال نمودن حقوق  
دموکراتیک طبقه کارگر و توده های  
زحمتکش کامیاب داشت. و به سرکوب  
کارگران و زحمتکشان و خلقها تحت ستم  
ایران مبادرت ورزید.

شوراها ای انقلابی کارگری مورد  
بیورش قرار گرفتند، اعتماد بنسبات  
کارگران سرکوب گردید، دهقانان نی که  
برای مبارزه زمینهای ملاکین بسزرگ  
حرکت کردند، دستگیر و زندانی شدند،  
شوراها ی دهقانان شدند، مقابله با  
خاکو خون کشیده شدند، مقابله با  
با بیورش همه جا نبره ارتش و سپاه  
پاسداران مواجه گردید، نشریات انقلابی توقیف  
گردیدند، انقلابیون مورد پیگرد و اقع  
شدند و... خلاصه بیورش همه جا نبره برای  
محدوستا ورده ای قیام آغاز گردید.

در طول این مدت نه تنها حاکمیت  
به هیچکدام از خواستهای سیاسی  
زحمتکشان جامه عمل نپوشاند بلکه  
مذاامسیاست فشار بر زحمتکشان را دنبال  
کرده است و با تحمیل جنگ ارتجاعی  
بر طبقه کارگر و توده ها ی زحمتکش  
مصائب و مشکلات فراوانی را برای  
توده ها به ارمغان آورده و میلیونها  
نفر را آوار کرده است. در نتیجه  
بحران اعتمادی، جنگ و ناسامانتهای  
اجتماعی، فقر و فلاکتی عظیم زندگی  
توده ها را فرا گرفته است.

زشتروز افزون نارضایتی مردم و  
گسترش مبارزات طبقه کارگر و توده -  
های زحمتکش علیه فقر، گران، بیکاری  
و تورم و مقابله آنها در برابر بحال  
شدن دستاوردهای قیام و حقوق دموکراتیک  
شان توسط حاکمیت، همگی بیانگر  
سلب اعتماد توده ها از حاکمیت و تقاضای  
مبارزه برای تحقق شعار استقلال،  
کارمکن و آزادی می باشد. توده ها  
در تجربه روزانه خویش در می یابند  
که حاکمیت کنونی نه میخواهد ندونه  
میخواهد خواستهای آنها را برآورده سازد.  
حاکمیت که از حل بحران  
عاجز مانده و قاره به پا سخگوشی به  
نیای توده ها نمی باشد پیش از پیش به  
سرکوب توده ها روی می آورد و مبارزات  
آنان را بخون می کشد.

بر ستر چنین بحرانهای است که  
مبارزات کارگران هر روز گسترده تر و  
میشود و ارتقا می یابد. در این مبارزات  
طبقه کارگر مداوم بر تجربه خویش  
افزایندها گامهای پرطنین استوار  
در جهت رها می خویش پیش می تازد.  
شکل مبارزات کارگران از زحمت  
به اعتماد گذر می کند و مبارزه برای  
حفظ و ایجاد شوراها ای انقلابی اوج  
می گیرد، تعداد اعتمادات کارگری  
در یکسال اخیر، طول مدت اعتمادها  
و فواصل بین آنها، انتخاب زمان  
مناسب برای اعتماد به خواستهای  
بقیه در صفحه ۳

## سازشکاران بدانند کارگران بیدارند



## گرامی باد اول ماه مه

### (۱۱ اردیبهشت)

بقیه از صفحه ۱

که تنها با عمل مستقیم و انقلابی و تنها با اتکا به نیروی تشکلی مبارزه خود میتوانند حقوق خود را از حلقه سوم سرمایه داران بیرون آورند و به همین خاطر نیز جهت بدست آوردن خواستههای مبرق خود که در رأس آنها خواست ۸ ساعت کار در روز قرار داشت دست به تظاهراتی عظیم زدند و با به نمایش درآوردن نیروی عظیم خود پیشرفت سرمایه داران را به لرزه درآوردند.

سرمایه داران همیشه بدنبال سود هر چه بیشتر تا جایی که نتوانند شیره جان کارگران را می میکند و آنها را هر چه بیشتر استثمار میکنند. آنها این کار را با شیوه های مختلف از جمله پرداخت حداقل دستمزد ممکن، کسیدن بیشترین مقدار کار از کارگران، افزایش شدت کار یعنی تند کردن دور ماشینها یا ادا کردن کارگران به تندتر کار کردن و هزاران شیوه دیگر انجام میدهند. یکی از مهمترین راهها یا لانگهداشتن ساعات کاری با بقولی روز کار است. سرمایه داران با این پرداخت دستمزدی ناچیزه ۱۶،۱۲۰ یا حتی ۱۸ ساعت از کارگران کار میکشند و از این راه سود کلانی به جیب میزنند. مارکس معلم بزرگ کارگران در کتاب معروف خود "سرمایه" شواهد بسیاری از این استثمار و وحشیانه را نقل کرده است. او کودکان ۷ ساله ای را نام میبرد که از صبح تا شب یعنی ۱۵ ساعت در کارخانهات ریستدگی جان میکنند. و با پسران و دختران بسیاری که با سن حدود ۱۳ سال در کارخانهات کبریت سازی بر اثر روزانه کار ۱۵ ساعت بزمزده و خموده کشته اند. این شیوه استثمار و وحشیانه اینک نیز بخصوص در جوامع وابسته بسیار به چشم میخورد. هنوز هم در کارگاههای شبه کوری کودکان ۱۲ تا ۱۷ ساله را روزانه ۱۲ ساعت در بدترین شرایط و در بای کوره های ذوب آنتیمار می کنند. هنوز هم کودکان بسیاری در کارگاههای قالی بافی و کوره پزخانه ها طاووت و شادابی خود را از دست میدهند و در کارگاههای سنگبری و ریختهگری از بیماریهای شدید ریوی جان میسپارند. اما کارگران بتدریج در مقابل استثمار و وحشیانه سرمایه داران و بخصوص در برابر برزیاد بودن ساعات طاقت فرسای کار به مبارزه برخاستند



و در این جهت سازمانها و اتحادیه های خود را بوجود آوردند.

همچنان که مبارزات کارگران وسعت می یافت سرمایه داران نیز با کمک گرفتن از ابزار سرکوب خود یعنی پلیس، ارتش، دادگاهها و خلاصه دولت سرمایه داری به سرکوب و کشتار کارگران میپرداختند. اما مگر میتوان جلوی مبارزات کارگران را با ضرب و جرح و کشتار گرفت. کارگران در زندگی روزمره خود در بای کوره ها، در پیشست دستگاهها، در فضای پر گرد و غبار معادن، و در زیر فشار کمربتن کار هر روز صدها بار مرگ را با کوشش و پوست خود لمس میکنند و به همین خاطر است که هیچگونه سرکوب هرچند وحشیانه قادر نیست مبارزات آنان را برای مدتی طولانی متوقف سازد. به همین جهت نیز مبارزات کارگران

آمریکا پشتت ادامه یافت و به تاسیس "فدراسیون اتحادیه های کارگری آمریکا" منجر گشت. این فدراسیون از کوردم آمدن اتحادیه های کارگری مختلف از شهرها و ایالات آمریکا بوجود آمد. فدراسیون پس از مدتی شاهد شکست فعالیتهای رسمی و قانونی خود برای کاهش ساعات کار بود و در تجربه دریافت که سرمایه داران با زبان خویش "حق کارگران را نمیدهند بلکه باید آنرا از حلقوم آنها بیرون کشید. و به همین دلیل بود که قطعنامه ای صادر کرد که در آن نوشته بود "خواست متحد برای کاهش ساعات کار به کمک سازمانی مستحکم و منضبط به مراتب موثرتر از هزاران قانون خواهد بود که اجرای آن بستگی نه حسن نیت سیاستمداران جاه طلب و

**دوروز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است!**

## گرامی باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)

بقیه از صفحه ۴

دولتبان لاشخور صفت دارد "فدراسیون  
همچنین اعلام کرد: از اول ماه مه  
۱۸۸۶ هشت ساعت کار روزانه مدت  
قانونی کار خواهد بود و ما تومیس  
میکنیم که تمام تشکیلات کارگری نیز  
در حوزه فعالیت خود از تاریخ فوق  
این تصمیم را به موردا اجرا گذارند  
این عمل را قانونی در مبارزات  
کارگران جهت بدست آوردن حق ۸  
ساعت کار در روز گشت و مبارزات -  
قهرمانانه و خونین بسیاری را در پی  
داشت.

اعتمادات وسیعی با شعارهاست  
کار در روز در برابر آمریکا شکل گرفت  
دهها هزار کارگر در شهرهای شیکاگو،  
نیویورک، بالتیمور، بوستون،  
واشنگتن، سنلویس و... دست به  
اعتصاب زدند. پلیس به شیوه های  
وحشیانه سرکوب متوسل شد. این  
اعتمادات روز به روز اوج بیستسری  
میکرفت.

### اول ماه مه فرامی رسد

در اول ماه مه سال ۱۸۸۶ بنا بر  
تصمیم فدراسیون، کارگران  
بسیاری در شهرهای مختلف آماده  
اعتصاب گشتند. قلب جنبش در شهر  
شیکاگو قرار داشت. از صبح زود انبوه  
کارگران در میدان شهرداری اجتماع  
کردند. بیش از ۴ هزار کارگر در  
اعتراض به شرایط طاقت فرسای کار  
وساعت طولانی آن گرد آمدند. آنها  
پلاکاردهایی به همراه داشتند که در آن  
خواست ۸ ساعت کار در روز طرح شده  
بود. خیابانهای شیکاگو بزرگ  
قدمهای سنگین و استوار کارگران  
خشمگین میلرزید. سرمایه داران -  
کوش بسیاری برای جلوگیری و با بر  
هم زدن این تظاهرات بکار بردند.  
اما عزم آهنین، اراده استوار و اتحاد  
کارگران تمامی حیللهای آنان را نقش بر  
آب کرد. نمایش عظیمی از اتحاد و  
تشکل کارگری برآه افتاد.

این حرکات اعتراضی در روزهای  
بعد نیز ادامه یافت. در روز دوم بیش  
از ۸ هزار کارگر در شهر شیکاگو دست به  
اعتصاب زدند. اما در روز سوم  
را هیبمانی آرام کارگران اعتماد بسی  
توسط پلیس به خون کشیده شد.  
پلیس حامی سرمایه داران با یورش



بزرگ کارگران در این باره میگویند:  
"آنچه که هیچکس نمیتوانست پیش  
بینی کند این بود که جنبش جتوا ندر  
یک چنین مدت کوتاهی و با اینکه  
جنبش نیروی مقاومت نا پذیر و مجمل  
نماید و همچون حریفی در علف زار -  
گسترش با بدوجا معاً آمریکا را تا  
ستونهای اصلی آن بلرزاند آورد."  
بالاخره پس از ده سال کارگران آمریکا  
توانستند حق ۸ ساعت کار در روز را با  
نیروی اتحاد و مبارزه خود بدست  
آورند.

بدین ترتیب روز اول ماه مه در  
جنبش جهانی کارگران جاودانه  
گشت و به روز جشن کارگران بدل شد.  
جشن همبستگی، پرولتاریا در مقابل  
سرمایه داران، روز اول ماه مه روزی  
است که کارگران، آگاهی، تشکل،  
اتحاد و قدرت لایزال خود را در مقابل  
سرمایه داران به نمایش میگذارند و  
بدینوسیله قدرت نمایی اردوی کار  
در مقابل اردوی سرمایه راجش  
میکبرند.

در اولین کنگره ای که  
انترناسیونال جهت تجدیدنسای  
خود در سال ۱۸۸۹ در پاریس برپا نمود،  
روز اول ماه مه بعنوان روزی که  
کارگران جهان در آن، جهت "یک  
خواست مهم سیاسی یعنی ۸ ساعت کار در  
روز" پیگار میکنند و نیروی خود را در  
مقابل سرمایه داران به نمایش  
درمی آورند اعلام گشت. انترناسیونال  
دوم در کنگره بعدی خود در عین اینکه  
برهدف ۸ ساعت کار تاکید فراوان  
نمود اعلام کرد که در این روز کارگران  
با پدیا اعتماد بهای سراسری و  
برگزاری تظاهرات پرشکوهِ خواستهای  
خود در مورد بهبود شرایط کار و  
قراری ملح در بین ملل را اعلام  
دارند.

بقیه در صفحه ۶

وحشیانه خود به صف کارگران چندین  
نفر را شهید و زخمی کرد. و بدینوسیله  
بار دیگر به تمام کارگران ثابت  
نمود که آرکانهای سرکوبی چون ارتش  
و پلیس، زندان و دادگاه و... همگی  
در خدمت سرمایه داران و حفظ نظم  
سرمایه داری اند. در روز بعد از  
تظاهرات وسیعی در اعتراض به کشتار  
وحشیانه پلیس صورت گرفت. در  
این روز توسط چند مزدور که بدینوسیله  
سرمایه داران اجیر شده بودند بمبسی  
در میان جمعیت منفجر شد که به زخمی  
شدن یک پلیس انجامید. این ساله  
بهانه ای بدست پلیس داد. تا سرکوبی  
وحشیانه تر از قبل را آغاز کنند.  
بورش وحشیانه سرمایه داران دولت  
حالی آنها که آغاز شده بود، چندگشته و  
مجدداً کارگران  
زخمی بجانهاد، زندانها از کارگران  
پرشود و در این میان ۷ تن از رهبران  
کارگران نیز دستگیر شدند.

سرمایه داران خودخواه در جواب  
شعار کارگران که می گفتند ۸ ساعت کار  
در روز حق مسلم ما است " در روزنامه -  
های خود شعار میدادند "گلوله برای  
کارگران - طناب برای رهبران شان .  
رهبران جنبش کارگری در دادگاه های  
فرمایشی محاکمه شدند یکی از آنها در  
دادگاه قریباً دزد "اگر تصور میکنید که  
با دار زدن ما میتوانی جنبش  
کارگری را که میلیونها زحمتکش فقیر  
و ستمدیده نجات خود را در آن می بینند  
از بین ببری، ما را ادا ریزند و لوسی  
مطمئن باش که با کشتن ما فقط  
حرقه ای را خاموش میکنی، ولی  
هیچگاه نخواهی توانست شعله های  
عظیم جنبش کارگری را خاموش  
سازید" با وجودیکه سرمایه داران -  
پتان ز رهبران جنبش را اعدام کردند  
اما جنبش برای خود ادا ماه دو هر روز  
اوجی نوین یافت: انگلس آموزگار

سود ویژه که قسمتی از دستمرد کارگران است پرداخت باید کرد

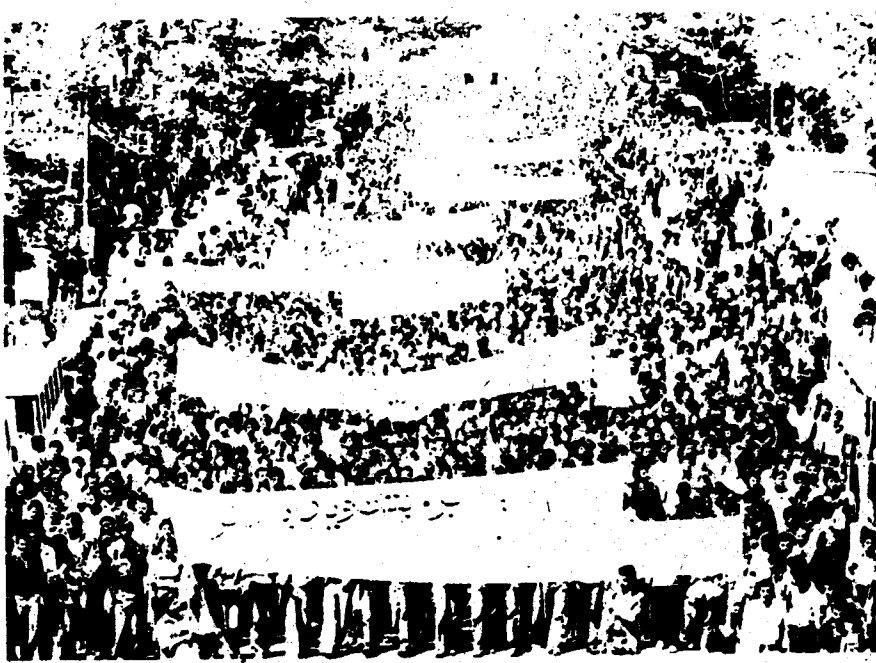
# گرامی باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)

بقیه از صفحه ۵

از این پس روز اول ماه مه به "روز سرخ" کارگران و به روزی جاودانه بدل گشت. روزی که بهرولتاریسای جهان همواره آنرا جشن خواهند گرفت. و پس از رهایی از بند سرمایه داری و بدست گیری قدرت نیز این روز را بیباکانه بشما و بیباکانه مبارزات فنانا پذیرش جشن خواهد گرفت.

## اول ماه مه در ایران

سابقه برگزاری جشن اول ماه مه در ایران به پیش از ۷۰ سال می رسد. کارگران قهرمانان ایران از زمانی که ابتدائی ترین شکل های خود را بوجود آوردند به برپائی این روز جهانی همت گماشتند. از آن پس حتی در سخت ترین شرایط دیکتاتوری حاکم جشن اول ماه مه هیچگاه به فراموشی سپرده نشد. اشکال مختلف برگزاری این جشن بیانگر پیچ و خمهای تاریخی است که طبقه کارگر ایران از سر گذرانیده است. در پاره ای از سالها کارگران با اتکاء به نیروی لایزال خود جشن اول ماه مه را به شکل وسیعی برگزار نمودند. از جمله در سال ۱۳۰۰ روز جهانی کارگران با همت "شورای مرکزی اتحادیه کارگران" که از شکل ۱۵ اتحادیه کارگری تشکیل یافته بود در تهران و چند شهر بزرگ دیگر برگزار گردید. در سال ۱۳۰۱ نیز کارگران قهرمان شهرهای شمال ایران با استفاده از موقعیتی که آوج گیری انقلاب در گیلان پدید آورده بود این روز را به شکل باشکوهی جشن گرفتند. در سال ۱۳۰۷ ما زمانهای کارگری که موفق شده بودند خود را تجدید سازمان دهند جشن اول ماه مه را در تهران و چند شهر صنعتی برگزار کردند در این روز پلیس رضایان با یورش خود به صفوف کارگران مداخله نمودند. از جمله خواستهای کارگران در این روزها عبارت از آزادی و آزادی اجتماعی بود. در این حرکت حزب کمونیست ایران نقش فعالی را ایفا نمود. در سال بعد (۱۳۰۸) کارگران قهرمان آبادان علیه دست به اعتماد وسیعی علیه شرکت نفت امپریالیستی ایران و انگلیس زدند از جمله خواستهای کارگران روزانه که ارزش ساعت



مراسم راهپیمائی اول ماه مه در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸، تهران

در این هنگام نیز شاه خاشاک از وحشت خود سخی داشت با برگزاری جشنهای فرمایشی و سخنرانی مزدوران و سردگان رژیم در این روز کارگران را بفریبند.

رژیم مزدور پهلوی در سالهای دیکتاتوری تمام گسیخته، با اتکاء به پلیس و ارتش و شهر با نیو بدهها سارا که به سرکوب کارگران میبردند اما در این سالها نیز اول ماه مه به فراموشی سپرده نشد و کارگران انقلابی به شکل مخفیانه و به بهانه های مختلف این روز را گرامی میداشتند. در سال ۱۳۰۵ پیش از ۸۰۰ کارگر در تهران جشن را در باغی به شکل مخفیانه برگزار نمودند به سخنرانی و سرود خوانسی پرداختند. در همین سال کارگران تبریز به همت اتحادیه با بون نیزها و نساجها این مراسم را در کوه برگزار کردند. در سال ۱۳۰۹ شاه خراسان حزب کمونیست ایران را کارگران بسیاری را به شکل مخفیانه و سازمان یافته در کوه سنگی گرد هم آورده روز اول ماه مه را برگزار نمودند. بسیاری سالهای دیگر نیز مراسم به بهانه عقد عروسی، میهمانی و یا به شکل گرد هم آمدن در صحرا و کوه برگزار میگشت. حتی در سیاهترین سالهای دیکتاتوری، رفقای زمینده ما این جشن را در اعماق تاریک سیاهالیهای رژیم برگزاری نمودند و به سرود خوانی میپرداختند، بدین طریق سیاهترین دیکتاتوری ها و خشیانترین سرکوبها نیز نتوانست کارگران ایران و نیروهای

(در مناطق گرمسیر) افزایش دستمزد و برابری حقوق ایرانیان و خارجیان بود. اینها عصبانیتها دستگیری مدها کارگران و استقرار ارتش رضایان در خوزستان و آمدن ناوگان انگلیس به حوالی آبادان در هم شکست.

در سال ۱۳۱۰ کارگران جنبش در اصفهان بودند در این سال اعتماد وسیعی که نطفه آن توسط کارگران نساجی وطن بسته شده بود صورت گرفت که علیه دستگیری و تبعید چندین تن از رهبران آن تلاش محدودی به خواستهای خود دست یافت. کارگران خواهشهای بسیاری از جمله ساعت کار در روز، افزایش دستمزد، آزادی تشکیل سندیکا و... داشتند. از این سال به بعد رضایان با گذراندن "قانون سیاه ۱۳۱۰" به سرکوب و خشیان جنبش کارگری برخاست. کارگران ایران فقط پس از سال ۱۳۲۰ بود که با دیگر سالها اتکاء به ضعف ضد انقلاب و قدرت گیری نیروی خلق توانستند اول ماه مه را وسیعاً برگزار نمایند. از جمله میتوان از تظاهرات عظیم سالهای ۱۳۲۵ و ۱۳۲۸ نام برد.

در تمامی این سالها نیز شاه جلاد با یورشهای وحشیانه خود مبارزات کارگران را با خون می کشید. فصل برگزاری علنی و گسترده روز اول ماه مه در رژیم پهلوی توسط کودتای امپریالیستی مرداد ۱۳۲۰ بسته شد و دیکتاتوری خفقان آور محمد رضا شاه حاکم گشت. ولی

برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)  
هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم

## گرامی باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)

بقیه از صفحه ۶

انقلابی را از بزرگداشت این روز باز دارد. اول ماه مه راه سرخ خود را از میان فداکاری و خون با سرافرازی نمود.

پس از سرنگونی رژیم منفور پهلوی به دست توده های خلق، با وجودیکه قدرت سیاسی به تصرف فدا نشکست در آمد اما کارگران ایران مجال یافتند با ردیگر بدور از سلطه، دیکتاتوری سیاه و پرنیاه نیبروی لایزال خلق به برگزاری گسترده این روز بپردازند. تظاهرات وسیع و تاربخ روز اول ماه مه سال ۵۸ که به دعوت شورای هماهنگی برگزاری مراسم روز اول ماه مه "مشکل" از نیروهای انقلابی صورت گرفت، یکی از عظیمترین حرکات یکپارچهای بود که کارگران ایران برگزینار نمودند. اول ماه مه سال ۵۸ در تهران، تبریز، شهرهای شمال و سایر شهرهای ایران، راهپیمایی های عظیمی با شرکت مدها هزار کارگر، زحمتکش و سایر اقشار خلق برگزار گشت که به خوبی بنیان قدرت لایزال خلق به رهبری طبقه کارگر ایران بود.

### اپورتونویستها و روز اول ماه مه

اپورتونویستها، بن ستون پنجم سرما به داران در جنبش طبقه کارگر از ابتدای شکل گیری روز اول ماه مه به دست و پا افتادند تا هر چه بیشتر بتوانند کارگران را از اعمال انقلابی بازدارند. ابتدا رهبران فرمبست احزاب کارگری انگلیس و آلمان درکنگره انترناسیونال با انعام اعصاب در این روز مخالفت کردند و پیشنهاد دادند تا جشن کارگری در اولین روز تعطیل بعد از اول ماه مه برگزار شود تا بدین ترتیب "اشکال و درگیری پیش نیاید این پیشنهاد فریبکارانه از سوی کنگره قاطعانه رد شد. اما اپورتونویستها به حیللهای دیگر متوسل شدند و درکنگره سوم انترناسیونال سعی داشتند به بهانه اینکه روز اول ماه مه "جنگ کارگری" است این روز را در عوض اعصاب و تظاهرات و قدرت نمایی کارگران به روز تفریح و استراحت بدل کنند و به این ترتیب سرما به داران را از "شر" مبارزات کارگران بزدانند. اما

کارگران با برگزاری هر چه عظیمتر و باشکوهتر این روزنه تنها قدرت خود را به رخ سرما به داران کشیدند بلکه مشت محکمی نیز به دهان اپورتونویستها کوبیدند. اما این خیا ننگاران به طبقه کارگران زبانش نشنیدند. این بار رهبران فدراسیون کارگری آمریکا که پس از گذشت مدتی به فدراسیون "زرد" ضد کارگری بدل گردند سعی کرد برای جلوگیری از برگزاری جشن کارگران این روز را "روز بیداشت جهانی کودک" اعلام کنند. این مزدوران که تمام روزی خود و اربابانشان را از چاه و لگا رگران و زحمتکشان و از استشاری بهرجهانه هزاران کودک بدست میاورند این بار بفکر بیداشت کودکان افتادند. اما علیرغم تمامی حیلله ها، تفریبه ها و سرکوبهای سرما به داران و عواملشان این روز سرخ هر سال پر شکوه تر و جهانی تر گشت. بطوری که دولت های سرما به داری از وحشت خود در اکثر نقاط جهان مجبور گشتند. این روز را تعطیل رسمی کارگران اعلام دارند تا شاهدا اعصاب کارگران نباشند. اپورتونویستها حتی جنبش عظیم اول ماه مه سال ۱۹۱۲ روسیه را نیز محکوم نمودند و آنرا "هاری اعصابی" بنا میدند.

اما مهمترین خیانت اپورتونویستها به جنبش انقلابی اول ماه مه در طول جنگ جهانی امپریالیستی شکل گرفت. اپورتونویستها که در حقیقت حامی منافع سرما به دارانند فقط خود را به لباس حامیان کارگران در آورده اند به بهانه "جنگ کارگران را به تولید بیشتر میخوانند. آنها میگفتند، اکنون در جنگ هستیم پس کارگران نباید حتی یک روز را تعطیل کنند بلکه باید با تمام توان خود به تولید بپردازند. اپورتونویستها هیچگاه به کارگران نمیگویند که این تولید برای چیست؟ سودش به جیب چه کسی میرود؟ چه کسانی آنرا مصرف میکنند؟ چرا با وجودیکه تولید روز بروز بالاتر می رود تا بنوا ده های کارگران و زحمتکشان بازگرسنه و برهنه اند؟ چرا این افاغنه تولید زندگی آنها را بهتر نمیکند؟ و غلامه چرا حتی جنگ هم سرما به داران را پول دارتر و کارگران را فقیرتر میسازد؟ آنها فقط فقط شعرا میدادند "افزایش تولید تا آخریسن" توان "بدین صورت خدمت خود به سرما به داران و خیانتشان به کارگران را به نمایش می نهادند. جنگ دوم جهانی نیز بار دیگر بوضوح به کارگران ثابت نمود که اپورتونویستها تنها حامی منافع سرما به دارانند آنها این بار نیز به بهانه "جنگ هرگونه اعتراضی از سوی کارگران را محکوم نمودند. آنطور که بروشنی پیداست

اپورتونویستها این عاملین سرما به داران همواره با حیلله و تفریب کوشیده اند تا روز اول ماه مه را (چون هر حرکت انقلابی دیگری) از محتوای مبارزاتی خود خالی کنند. با آنرا به تفریح و گردش بدل کنند یا کارگران را به تولید بیشتر وادارند و با حد اکثر مراسم و تظاهرات فرمایشی و بی سر بهرچم سرما به داران و دولتهای آنها برگزار نمایند. اما تداوم و اوج گیری مبارزات کارگران، هر ساله روز اول ماه مه در سراسر جهان به خوبی نشان داده است که کارگران هر روز بیشتر و بیشتر دشمنان خود را تشخیص میدهند و آنانرا از صفوف خود بیرون خواهند راند.

همین سیاستها و در واقع همین خیانتها را اپورتونویستها و وطنی نیز در حق جنبش کارگران ایران کرده اند. همین دو سال اخیر را در نظر بگیریم. به خوبی بیاد داریم که چگونه حزب خاشن توده در روز اول ماه مه سال ۵۸ از کارگران ایران خواست تا این روز را در زیر پرچم بورژوازی حاکم برگزار نمایند. والیته بیاد داریم که کارگران انقلابی چگونه با حرکت عظیم و مستقل خود مشت محکمی به دهان اینها گران بورژوازی کوبیدند. همچنین باید بدانیم در سال ۵۹ زمانی که حزب توده به روال "سیاست (بخش) ان خیانت (صریح و روشن) خود بسیار دیگر کارگران را به زیر پرچم بورژوازی حاکم فراخواند. اپورتونویستهای کمیته مرکزی نیز شرمگینانه به این عمل تعامل نشان میدادند و از برگزاری حرکت مستقل بشدت هراس داشتند و به همین دلیل بوده که آنچنان که دیدیم پس از آنکه تحت فشار توده های انقلابی تشکیلات به حرکت مستقل مجبور گشتند چگونه حرکتی نیم بند را با شعارهای سازشکارانه و در حمایت و تائید از بورژوازی حاکم برگزار نمودند.

اینک نیز هم ما همدیم که اپورتونویستهای اکثریتی وتوده ای تا ردیگر نامشان به "مخرفه" افزایش تولید در خدمت خلق "را به اجبار" در آورده اند و سعی میکنند به بهانه بقبولانند که هر چه شدیدتر باید تن به استشاری را در تولید را با بهر چه بیشتر افزایش داد و مهم نیست که در این میان فقط جیب سرما به دار پرتر می شود و شکم و بزرگتری می گردد. اپورتونویستها سعی دارند هرگونه اعصاب، تحمن، حرکت اعتراضی و خواسته برحق کارگران را کار آمریکا و ضد انقلاب قلمداد کنند و به این طریق جنبش کارگری را مهار نمایند. در روز اول ماه مه نیز مسلما اپورتونویستها خواهند کوشید با ردیگر طبقه کارگر را بهر شکل و بهر طریق (به زیر پرچم

بقیه در صفحه ۸

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه ها برچیده شود



### گرامی باد اول ماه مه

بقیه از صفحه ۷

مرمیه داران و حامیان نشان جلیب  
نمایند و از این طریق نهایت  
خداستگاری خویش را به اثبات  
برسانند.

اما با تمامی این خیانتها، با  
تمامی این حیلها و ونیرنگها باز هم  
کارگران انقلابی ایران روز اول ماه  
مه را پرشکوه و پرشکوهتر برگزار  
خواهند نمود.

امسال در شرایط خودبیزه ای به  
استقبال روز اول ماه مه می روییم .  
سیاستهای ارتجاعی و ضد خلقی رژیم  
جمهوری اسلامی توده ها را در سختترین  
شرایط زندگی قرار داده است .  
گرسنگی ، فقر و بیگاری تمامی توده  
ها را فرا گرفته است . جنگ ارتجاعی  
دولتهای ایران و عراق نیز بلیه  
بهران حاکم بر جامعه ما زده است .  
میلیونها آواره برخیل عظیم بیگاران  
وزحمتکشان شهری ، افزوده شده اند .  
اینک گران روز افزون ، احتکار ،  
کمیابیی مواد مورد احتیاج کارگران  
وزحمتکشان و تورم لحام گسیخته  
بصورت سرسام آوری دستمزدهای  
ناچیز کارگران را روز بروز بی ارزش و  
بی ارزش تر می کند . اینک بیگاری بیش  
از ۳ میلیون نیروی کار را در ایران  
درب گرفته و تعداد زیادی از کارگران  
شاغل را نیز تهدید میکند . از سوی  
دیگر خواست ۴۰ ساعت کار و روز  
تعطیل در هفته با تصویب قانون ۴۴  
ساعت کار در هفته مورد پیورش قرار  
گرفته و همچنین به بهانه جنگ سر  
شدت استمار کارگران افزوده شده  
است .

در این شرایط است که تضادهای  
دوجناح اصلی حاکمیت روز بروز اوج  
میگیرد و هر چه بیشتر به افشای چهره  
کریه هر دوجناح می انجامد . تمامی  
این عوامل باعث شده است که  
توده ها و طبقه کارگر به سرعت هر چه  
بیشتر توهانات خود را نسبت به  
حاکمیت از دست بدهند و این مساله  
به همراه او گیری روز افزون مبارزات  
خلق رژیم جمهوری اسلامی را بلیه  
سرکوب هر چه شدید تر و هر چه عریا نتر  
و آدا ر کرده است . آزادیهای سیاسی  
و حقوق دمکراتیک خلق بشدت توسط  
رژیم مورد پیورش قرار گرفته است و  
در این شرایط است که روز اول ماه  
مه پیش روی ما قرار دارد .

در این روز با دیگر روز اردوی کار  
و سرمایه رودر روی یکدیگر  
ایستاده اند . حاکمیت علی رغم  
تمامی تضادهای درونی اش تمامی  
نیروی خود را برای سرکوب کارگران  
بکار گرفته است . ادارات حفاظت  
بازسازی شده ، حفاظتی ها و ساواکی ها  
بسرکار بازگشته اند . انجمنهای  
اسلامی بصورتی فعال در کار خانات  
به جاسوسی و سمپاشی علیه  
نیروهای مترقی و تفرقه انداختن  
در میان کارگران مشغولند . شورا های  
انقلابی به شدیدترین وجهی سرکوب  
می شوند و همواره مورد پیورش انجمنهای

اسلامی ، مدیریت ، وزارت کار و  
دولت قراردادارند . هرگونه خواست  
کارگران و هر حرکت اعتراضی به  
شدیدترین صورتی مورد پیورش  
وحشیانه با ساداران و کمیتة جسی ها  
قرار میگیرد . تمامی دستگاههای  
تبلیغاتی دولت از جمله رادیو  
تلویزیون و نشریات وابسته به رژیم  
در خدمت سرکوب مبارزات کارگری  
قرار دارند . و در نهایت با ندهای  
سیاه ، جماعتاران و گروههای تروریست  
عناصر ما را زودترقی را مورد تهدید ،  
ضرب و شتم و ترور قرار میدهند .  
اروی سرمایه تمامی نیروی خود را  
برای غلبه هر چه کاملیتر بر نیروی کار  
بسیج کرده است .

اما در سوی دیگر اردوی کار نیروی  
لایزال خود را آراسته است مبارزات  
اوج گیرنده طبقه کارگر خواب خوش  
سرمایه داران را بر هم زده است .  
حمایت روز افزون کارگران زشوراها ،  
حرکات اعتراضی ، اعتصابات  
تحصن ها و راهپیمایی های روز افزون ،  
مقا بله با کارگران با نیروهای سرکوبگر  
جمهوری اسلامی ، از دست رفتن نگاه  
انجمنهای اسلامی و منفر شدن روز  
افزون آنان ، رشد هیوزة نهادهای  
انقلابی کارگری چون هیئت های  
تحقیق ، ایجاد جود دمکراتیک در  
کار خانات با اتکاء به نیروی  
کارگران ، بحث و تبادل نظر  
در کار خانات و افزایش پخش  
اعلامیه ها و نشریات نیرومهای  
انقلابی و بطور خلاصه افزایش روز  
افزون آگاهی و تشکل کارگران و  
روی آوری هر چه بیشتر آنان به عمل  
مستقیم کارگری که طلیمه های پر  
شکوه آنرا در مبارزات سراسری  
کارگران جهت کسب سود بیزه شاهد  
بودیم ، همه و همه نویدی از تشکل و  
بکبار رچی روز افزون اردوی کار  
است . در این میان منفر شدن  
اپورتونیستها و به انفعالی  
در غلبیدن آنها در اکثر محیطهای  
کارگری بیبا نگر شکست مفتضحانه ستون  
پنجم سرمایه داران در طبقه کارگر  
است .

در این شرایط حساس وظایف  
سنگینی بر دوش نیروهای انقلابی و  
کارگران پیشرو قرار دارد . با بسط  
کوشید تا اول ماه مه را به میدانی  
برای گسترش هر چه بیشتر جنبش  
کارگری بدل ساخت ، با یک کوشید تا  
هر چه بیشتر تحول شعارهای مشخص  
اقتصادی و سیاسی طبقه بسیج کرد .  
کارگران پیشرو باید  
در عین تدارک برای برگزاری هر چه  
وسیعتر و یکپارچه تر این روز ، برای  
تدارک حرکتی که بتوانند همبستگی  
هر چه بیشتر کارگران در سراسر ایران  
را به نمایش بکشند ، بکوشند تا این  
روز را به میدانی برای مبارزه و  
حرکت در جهت ایجاد ، تحکیم و تقویت  
هر چه بیشتر شورا های واقعی خود  
بدل سازند . تا از این طریق بتوان  
مبارزه ای یکپارچه تر و استوار تر  
را در جهت تحقق خواستهای کارگران و  
زحمتکشان سازمان داد .

# سرود بین المللی

برخیزید، دوزخیان زمین!  
برخیزید، زنجیربان گرسنگی!  
عقل از دهانه آتشفشان خویش تندروار می غرد  
اینک! فوران نهائی است این.  
بساط گذشته برویم.

به پا خیزید! خیل بردگان، به پا خیزید!  
جهان از بنیاد دیگرگون می شود  
هیچیم کتون، «همه» گردیم!

نبرد نهائی است این.

به هم گردانیم

و فردا «بین المللی»

طریق بشری خواهد شد.

رهاننده برتری در کار نیست،

نه آسمان، نه قیصر، نه خطیب.

خود بهر هائی خویش برخیزیم، ای تولیدگران!

رستگاری مشترک را برپا داریم!

تا راهزن، آنچه را که ربوده رها کند،

تا روح از بند رهائی یابد،

خود به کوره خویش بر دمیم

و آهن را گرما گرم بکوبیم!

نبرد نهائی است این.

به هم گردانیم

و فردا «بین المللی»

طریق بشری خواهد شد.

کارگران، برزگران

فرقه عظیم زحمتکشانیما

جهان جز از آن آدمیان نیست

مسکن بی مصرفان جای دیگری است.

تا کی از شیرۀ جان ما بنوشند؟

اما، امروز و فردا،

چندان که غرابان و کرکسان ناپود شوند

آفتاب، جاودانه خواهد درخشید.

نبرد نهائی است این.

به هم گردانیم

و فردا «بین المللی»

طریق بشری خواهد شد.





# بررسی مختصر جنبش کارگری



مبارزات طبقه کارگر ایران پس از قیام بهمن ماه علیرغم افیت و غیره های موقتی ، همچنان بر جوش و خروش ادامه یافته است . این مبارزات گسترده ، تجارب کارکنانی برای کارگران به همراه داشته است . تجاربی که تنها در یک شرایط بحرانی همراه با تحولات سریع ، امکان کسب آن موجود است . توده ها در دوره دو ساله اخیر در مبارزه حاد و آشکار طبقاتی ، به آنچنان تجاربی دست یافتند که در شرایط رکود و انقباض مبارزات توده ای سالها وقت لازم بود .

وضعیت خود ویژه ای که پس از قیام بهمن ماه برجای مانده است ، بیباکتر گشایش بین انقلاب و ضد

انقلاب در عرصه حادث ترین نبردهای اجتماعی میباشد . مبارزات کارگران نیز گاه در بطن و گاه در کنار جنبش توده ای مراحل مختلفی را از سر گذرانده است که بطور مختصر به آن اشاره میکنیم و در نشریه کاربند مفضل به توضیح آن خواهیم پرداخت شوراها که نطفه های آن قبلاً از قیام بسته شده بود ، پس از قیام در اغلب کارخانجات ایران برپا گردید . کارگران باسی اعتقاد دیه تشکیلهای فرما بیی که در دوره رژیم شاه ایجاد شده بودینا به شرایط خاصی پس از قیام این شکل سازمان یابی را یکسار میگیرند و حرکت روشنفکران انقلابی بسوی کارخانه ها این روند را تسریع میکند . شوراها مبارزه برای خواسته های

اقتصادی و سیاسی را در دستور قرار میدهد و به مثابه ارگانهای اعمال اراده مستقیم کارگران در کارخانه به شمار می آید .

در آغاز با زنگشائی و راه اندازی ، با زنگش کارگران به کارخانه و اخراج عناصر مزد دور همراه با پرداخت حقوق عقب افتاده عمده ترین خواسته های کارگران را تشکیل میدهد . در نتیجه مبارزات کارگران ، بسیاری از کارگران اخراجی زمان رژیم شاه به کار بازگشتند . در کارخانه های که سرما به داران فرار کرده بودند شورا در اغلب موارد با کنترل کارخانه ویکاراننداختن ، قدرت خویش را به نمایش گذارد .

بجیه در صفحه ۱۲

## دو روز تعطیل ، ۴۰ ساعت کار در هفته ، حق مسلم کارگران است



# "جهان" کمونیست

گلوله‌ای دردها  
گلوله‌ای درچشم

درتکه‌های بخ  
در سردخانه، پزشک قانونی  
دوشعله، منجمدخون می‌تابد  
شعله‌ای دردها  
شعله‌ای درچشم

در میتینگ هفدهم بهمن  
در انبوه‌ها داران و

در میان پلاکاردها و شعارها  
در گردش تفنگداران جمهوری و  
گله‌های پاسدار و آب‌ان  
در فرق چماق و زنجیرو "نانجو"  
در صدای شلیک‌های ترس و

دشنام‌های جنون  
در کورسوی ستاره‌های حلبی و

در قارقار کلاغ‌های تفتیش و  
در سربزه‌ها

در میتینگ هفدهم بهمن  
در میتینگ سرخ‌قیام

در میتینگ سرخ سیاه‌کل  
دو غورشید منقحر فریاد

در پلک‌ها و لب‌های "جهان" می‌درخشد  
خورشیدی دردها

خورشیدی درچشم  
"جهان" کمونیست

"جهان" امروز  
"جهان" آینده

"جهان" کارگران  
"جهان" جنگ

"جهان" داس  
"جهان" پرچم سرخ

"جهان" کمونیست  
"جهان" جهنده، میتینگ

جهنده از میدان "شوش"  
تا میدان قرق

- میدان آزادی -  
جهنده! ز قرق آزادی

تا میدان انقلاب  
جهنده از فراز خودروهای گشتار و  
سربزه‌های زخم

جهنده از فراز کمانه، شلیک‌ها  
جهنده از بن بست‌ها و بام‌ها

تا غیبان پرچم  
- غیبان گشتی و گلوله و خون -

"جهان" جهنده، کمونیست  
"جهان" انقلاب

در هوای غفه، جمهوری  
با پلک‌های از چماق

لب‌های از چماق  
آذر خشی دردها

آذر خشی درچشم  
"گوشت گران

بنشن گران  
بیکاری و

حسرت‌نان  
بها، بها

زحمتکشان  
بها، بها

زحمتکشان  
"جهان" شعارها

شعار زحمت  
شعار رنج

گلوی متفجر آتش  
صغره آتشفشانی خون و غروش

گردان در آسمان میتینگ  
کپکشان دردها

کپکشان درچشم  
زاده، زحمت

در کوچه‌های گرسنگی و غبار  
"جهان" کوچک دبروز

بر آستانه، انتظار رنان و  
لبخند  
برزای کار

در نوازش در شب دستهای زحمت

در دامن رنج  
با ترانه‌های مادرانه و اشک

"جهان" بزرگ امروز  
"جهان" پرچمدار

"جهان" سرخ  
"جهان" میتینگ و مبارزه

"جهان" چرخنده و پیش‌رونده  
"جهان" کارخانه

"جهان" کار  
"جهان" دود و دمه و آتش

"جهان" سنگ و گداز و حریق  
آتشفشانی دردها

آتشفشانی درچشم  
"جهان" در میتینگ می‌گشت

و بزرگ‌های اعلامیه  
بر فرآزمیتینگ و

مردمان  
از انگشتانش بر می‌کشیدند

- جزیره‌های نغمه‌خوان کبوتر  
در دریای توفنده، مشت‌ها و فریادها -

"جهان" کبوتر  
کبوتری دردها

کبوتری درچشم  
ساعت شش صبح

با بسته‌بیا نیه‌ها  
در میدان بار

ساعت هشت و ده دقیقه  
با اوراق شعارها و تراکت‌ها

در چا پخانه، گمرک  
ساعت نه با رفیقان "دفاع"

پشت چمن‌های "آزادی"  
با داس بلند عشق و

پتک سنگین فریاد  
پلنگی دردها

پلنگی درچشم

## شعار زحمتکشان ادامه انقلاب

## "جهان" کمونیست



ساعت ده و نیم  
در خیابان کارگر  
زخم رقیبی را میبست  
در خانه مردم  
و در هیاهوی گشتی و آژیر  
رقیبی را  
با گلوله ای در گونه  
بردوش میبرد  
فردائی در دهان  
فردائی در چشم

هنوز کمانه های سرب و  
چتر گرز  
در هوا وزمین بود  
و "جهان" با گلولی آتشفشان هامی خواند:  
...مداومت، مداومت  
زحمتکشان

مبارزه  
مقاومت، مقاومت  
انقلابی در دهان  
انقلابی در چشم

"جهان" فدائی  
"جهان" گل های رهایی و عشق  
گل های چهل و نه  
گل های تا امروز  
گل های همیشه  
گل های جنگل و

گل های فدائی  
خرمن، خرمن

از سپاه گل  
تا قیام  
خرمن خرمن  
از قیام

تا امروز  
"جهان" کمونیست  
با دسته گل های سرخ "توماج"  
دسته گلای در دهان  
دسته گلای در چشم

پنجه بکس ها و چاقوها  
شاه ها و ستمزبانه ها  
...  
"جهان" مجروح  
جهان "خونچکان  
در خود رو خون آلود جمهوری

فداق ها و چکمه ها  
شلاق و آمارس و زخم  
...  
"جهان" شکنجه شکن

"جهان" شکست ناپذیر  
"جهان" کمونیست  
با دو قفل بسته خون  
در شکنجه گاه

فقلی در دهان  
فقلی در چشم

دستبند جمهوری بردست  
چکمه جمهوری بر سینه  
دشت جمهوری  
درفک های خونین "جهان"  
کلید کهنه کلت

در کام  
کلید کهنه تفتک

بر پلک  
گلوله ای در دهان  
گلوله ای در چشم



در سردخانه پزشک قانونی  
سند خطایت جمهوری  
در تنگه های بیخ

پلاکاردها در چاه راه ها  
بیابانیه ها در کارخانه ها و خیابان ها  
"جهان" کمونیست

دردست ها

"جهان" کمونیست  
بر دیوارها

در تراکت ها

در مدرسه ها

در خانه

در قلب ها

در چشم ها

در دهان ها

آتشزنه های هوادار  
در جنگل خشم زحمتکشان  
وزحمتکشان گمرازه کرد پلاکاردها  
کنار ریبانیه ها  
وهوای میتینگ

هوای فدائی  
که در میهن مبارزه می گردد  
با صدای درخشان "جهان"  
...مداومت، مداومت  
زحمتکشان

مبارزه

مقاومت، مقاومت

در میان پلاکاردها و شعرا  
انقلاب

با پیشانی شکسته و خونچکان  
می خواند

با صدای درخشان "جهان" و  
رودخانه ها

ورفتگان "جهان"

"جهان" کمونیست را  
می سربازند

با دسته گل های از خون  
بر فراز میتینگ تا ریخ

## شهدای کارگر

بقیه از صفحه ۱۹

وراهپیمائی رفقا بسوی میدان  
توحید، رفیق جهان مورد حمله  
عده ای پاسدار و جماعت دار "حزب الله"  
قرار گرفت، اما او با اراده ای -  
استوار و با قاطعیتی انقلابی  
کارگری در برابر پاسداران جنایت و  
سرما به مقاومت کرد. سرانجام  
تعداد زیادی پاسدار و جماعت دار بر  
سراور بسته و پس از ضرب و محروم کردن او  
رفیق را دستگیر و بداخل اتومبیلی  
پاسداران بردند. مدتی از رفیقی  
جهان خبری نبود تا اینکه جسدش  
را در سردخانه پزشک قانونی  
یافتند در حالی که یک گلوله از پشت به  
مغزش شلیک شده و گلوله دیگری در  
مغزش باقی مانده بود و آثار  
شکنجه های قرون وسطائی بر بدنش  
بخوبی پیدا بود. رفیق جهان - که  
تمام زندگی خود را وقف آرمانها و  
مبارزات کارگران و زحمتکشان  
کرده بود بدست رژیم پاسدار نظام  
سرما به داری بشهادت رسید. مرگش  
سپیده ای است تا غوغای بهر چه سرخ  
کارگران نباشد.

بیادش زنده و آرمان سرخش جاودان باد.

## سیاست حکومت توقف انقلاب

بقیه از صفحه ۹

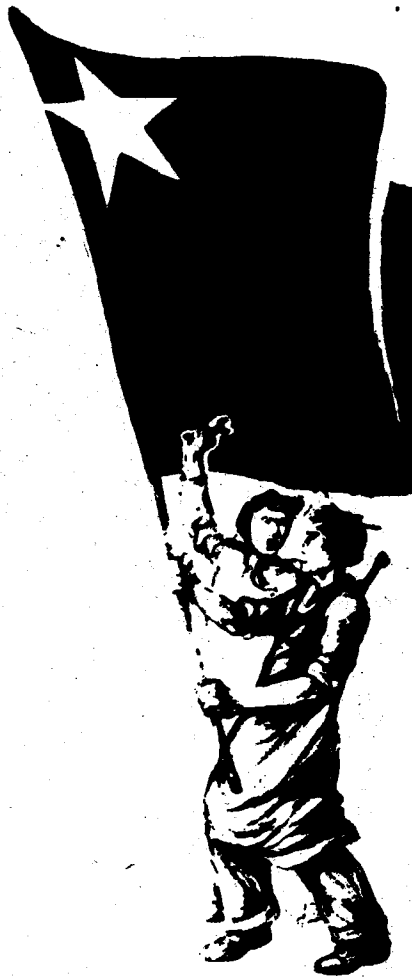
**شکل عمده مبارزه کارگران در آغاز**  
بدلیل اعتماد ناآگاهانه به حکومت  
تعمین است.

بتدریج با برآورده شدن خواسته‌های  
کارگران و سرکوب شدنشان توسط  
ارگانهای قدرت دولتی، کارگران  
در برابر حاکمیت که از منافع سرمایه  
داران دفاع میکنند قرار میگیرند و  
آهسته آهسته شکل مبارزه آنان از  
تعمین به اعتصاب گذر میکنند که بیا نگر  
رشد آگاهی کارگران و زود شده شدن  
توهماتشان نسبت به حاکمیت است.  
مبارزات کارگران در اصفهان ماه سال  
۵۸ هجری بود و بزرگوار اوچ میگردید در اکثر  
موارد پیروزی آنها را به دنبال  
دارد. شوراها رهبری اغلب مبارزات  
کارگران را بعهده داشتند و خواست  
سراسری طبقه یعنی سودویزه بستر  
مناسی برای اتحاد شوراها میگردد.  
با پایان سال ۵۸ و تعطیل کارخانه‌ها  
موج عظیم اعتصابات برای سودویزه  
فرومی نشیند.

با شروع سال ۵۹ از اولین روزهای  
آغاز کار در کارخانه، مبارزه  
کارگران شروع میشود که بطور عمده خود  
بخود و پراکنده جریان میابد. در  
کارخانه ایرواک و پشم و پتو در تبریز  
اعتصابی در رابطه با قیمتهای سود  
ویزه و تعطیلی پنج شنبه شکل میگردد.  
در کارخانه کفش ملی کارگران برای  
حفاظت کار دست به مبارزه میزنند و  
با ترک کار مدیونیت را به عقب نشینی  
و اداری میکنند. کارگران ایران -  
ناسیونال در رابطه با تعطیل پنجشنبه  
دست به تظاهرات در کارخانه میزنند  
که با پیروزی همراه است. کارگران  
انبارهای عمومی برای استخدام  
رسمی تعمین می کنند و کارگران جنرال  
موتور که خواهان طرح طبقه بندی  
مشاغل میباشند از خروج تولید  
جلوگیری میکنند که به نتیجه ای  
نمیرسد. کارگران کارخانه سیمکو  
با توسل به اعتصاب و سایر اشکال  
مبارزه سودویزه را طبق طرح "اتحاد  
شوراهای گیلان بدست میآورند.  
کارگران صنایع فولاد برای بازگشت  
اخراجیهایی مبارز و اخراج عناصر  
سرمزده و نیز ملی کردن صنایع فولاد  
به تظاهرات شکوهمندی در اهواز دست  
میزنند...

این نمونه ها نشان دهنده است که  
هر چند مبارزات کارگران در سطحی  
گسترده جریان دارد، اما برخلاف  
اصفهان ماه که خواست مشترکی چون  
سودویزه خواست مشترک اعتصابات  
کارگری است، کارگران با خواسته‌های  
متفاوتی به مبارزه روی میآورند و ملی  
فردی زمان نیزه ساعت کار و دو  
روز تعطیل در هفته و طرح طبقه بندی  
مشاغل خواست واحد تعدد دواز -  
اعتصابات کارگری شما میسرود. نکته  
قابل توجهی که در مبارزات کارگران

## بررسی مختصر جنبش کارگری ایران



در این دوره به چشم میخورد مقابله  
توده وسیع کارگران با اخراج  
کارگران پیشرو می باشد. این عمل که  
بمنظور ایجاد جو اختناق و مقابله با  
مبارزات کارگران، از سوی سرمایه  
داران بکار گرفته میشود، اعتراض  
کارگران را بر میانگیزد. بازگشت  
کارگران پیشرو و جلوگیری از اخراج  
کارگران و اخراج عناصر سرمزده همواره  
یکی از خواسته‌های کارگران در اغلب  
مبارزاتشان می باشد.

اشکال مبارزه طبقه کارگر در  
در این دوره عمدتاً اعتصاب و درکنار  
آن تعمین و نیز جلوگیری از خروج  
تولید میباشند و در نا اشکال قانونی  
مبارزه نظیر مراجعه به ارگانهائی  
چون وزارت کار و غیره صورت میگردد.  
در این دوره نیز شوراها رهبری اغلب

مبارزات را بعهده دارند و با توجه به  
نقش شوراها در مبارزات کارگران  
حول سودویزه و غیره، شوراها  
توانسته اند پیش از گذشته در میان  
توده ها اعتبار را بحد قدرت شوراها  
در این دوره افزایش یافته و نقش  
هدایت کننده مبارزات کارگران را به  
عهده دارند.

پس از یورش وسیع و همه جانبه به  
آزادیهای سیاسی و آزادیهای انقلابی  
از اوائل اردیبهشت ماه، جو اختناق  
در کارخانه ها اوچ میگردید و انجمنهای  
اسلامی در این حرکت پیش از پیش  
فعال میشوند و موج اخراج کارگران  
پیشرو آغاز میشود.

شوراها و کارخانه های تبریز زیر  
ضرب قرار میگیرند، یورش به شورا -  
های کارخانه های تراکتور سازی،  
لیفت تراک، همپیران، کمپیدرو  
سازمانی یا بدو در پروسه ای به  
انحلال آنها می انجامد. در تمام  
کارخانه نجات کارگران به این عمل  
معتراض بودند و در برخی کارخانه ها  
نیز مقاومت پراکنده ای صورت -  
میگیرد. اتحاد شوراها "در گیلان  
که بیش از ۲۰ کارخانه را در بر میگرفت  
آماج حمله قرار میگیرد و از هم  
می پاشد. مقاومت کارگران بخصوص  
کارگران مبارز کارخانه پوش بدلیل  
فقدان مقاومت متحدانه شوراها  
راه بجائی نمی برد.

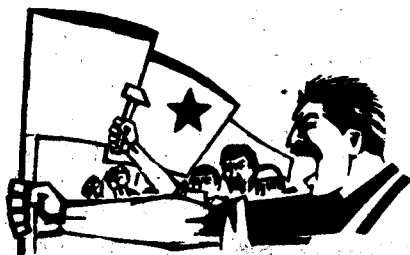
شوراهای صنایع دفاع، شوراهای  
سازمان گسترش و توسعه صنایع  
کشور، کارخانهای شرق غیره  
با توطئه های مختلف و روشهای  
گوناگون مورد یورش قرار میگیرند.  
شوراهای صنعت نفت در اهواز و راه  
آهن تبریز نیز منحل میشود. سندیکای  
انقلابی کارخانه ساکا و شورای سیمان  
ری، منحل میشود.

در تمامی این موارد که شوراها  
مورد یورش قرار میگیرند، درکنار  
آن کارگران پیشرو اخراج میشوند.  
موج اخراج کارگران آگاه و  
مبارز تمام کارخانه نجات را در بر  
میگیرد. انجمنهای اسلامی، این  
زائده های حزب جمهوری اسلامی  
بیشترین نقش را در این مرحله  
دارند. از این پس شکاف بین توده -  
کارگران و این انجمنها بسیار عمیق  
میگردد و این انجمنها پایه توده ای  
خوبش را بسیار سریع از دست میدهند.

حاکمیت علاوه بر سیاست سرکوب  
شوراها، سیاست زرد کردن آنها را نیز  
در پیش میگیرد. حزب با تقویت  
و گذاشتن نیرو در گسترش "کانون  
هما هنگی شوراها" اسلامی این امر را  
پیش می برد و بنی مدرنیز با سیاست  
"شورایی شورا" دشمنی خود را با  
کارگران، منافع و خواسته ها و تشکل  
های انقلابی شان، نشان داده و در کنار  
حزب جمهوری اسلامی و روروی طبقه  
کارگر قرار میگیرد. بقیه در صفحه ۱۳

# مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدانیست

## بررسی مختصر جنبش کارگری



کارآئی دارد در مبارزات کارگران ارگانهای سرکوب بیش از پیش و بسیار سرپیچند و اردمیدان مقابله با کارگران و سرکوب آنان میشوند. در پایان این دوره حزب جمهوری اسلامی در میان کارگران کمالاتی را یافته است که در کارخانه ها و کارگاه ها و ادارات و کارخانجات و کارگاه های میان کارگران ندارند. بنی صدر بیش از سایر لیبرالها توهم کارگران را برای می انگیزد گرایش به نیروهای انقلابی بیش از گذشته در میان کارگران مشاهده میشود. در چنین شرایطی جنگ بین دولت ایران و عراق آغاز میگردد.

با آغاز جنگ جنبش کارگری که پس از یک دوره اوقات نسبی در او خرابی است تیرصعودی خود را طی میکند. مجدداً دچار اوقات میگردد. در اولین روزهای جنگ احساسات شوینیستی آمیخته با نفعیات مذهبی توده کارگران را فرامیگیرد. با شروع جنگ یکی از بهترین گانندهای تجمع پرولتاریای صنعتی ایران، به صحنه اصلی جنگ دولت تبدیل گشت. پالایشگاه آبادان در اثر بمباران از کار افتاد و کارگران شاغل این ناحیه به خیابان بیکاران و آواره گان جنگ پیوستند. طبقه کارگر که یکی از منابع اصلی تامین کننده سرمایه در این جنگ ارتجاعی بود بیشترین صدمات را متحمل گردید. در چنین شرایطی دولت سرمایه داران به بهانه جنگ کوشش برای محدود ساختن حقوق صنفی و سیاسی کارگران را فرزونی بخشید. تشکیلاتی سلسله مراتب مدیریت و بخشنامه های وزارتی، آئین نامه های انضباطی برگزیده کارگران فرو می آمد. دولت از کارگران میخواست که این وضع را بدلیل شرایط جنگ تحمل کنند. هر چند دفاع طلبی ارتجاعی توده ها که شمره فریب بورژوازی و فقدان آگاهی پرولتاریای جوان و کسب تجربه ای است که هنوز تبلیغات

بقیه از صفحه ۱۲  
سازمان رژیم با اینها هم زمان یافته و گسترده، قصد داشتند جنبش کارگری را دچار رکود سازند لیکن بر بستر تشدید بحران اقتصادی سیاسی، مبارزات کارگران با بهره گرفتن از تبارشان، همچنان ادامه میابد. این مبارزات هر چند پراکنده و بدون پیوند سراسری اما بطور گسترده جریان میابد. آثار مثبت شده از مجموعه اعتراضات، اعتراضات و مبارزات طبقه کارگر در طول ماه های فروردین، خرداد، مرداد و شهریور نشان میدهد که مبارزات وسیعاً ادامه داشته و در طول ماه های مرداد و شهریور گسترش بی سابقه ای میابد.

کارگران شرکت لاکو در لوان، کارگران کارخانه های سیمان ری پوش در زشت در رابطه با اخراج کارگران مبارز دست به اعتراض زده و به اشکال گوناگون زد و خورد قطعنامه تا تهدید به اعتصاب به مقابله با اخراج میپردازند. کارگران مبارز از سایر برسر لوان در راهوازدست به اعتصاب میزنند. کارگران شرکت گسترش مسکن، مدیر را برای جلوگیری از اخراج دسته جمعی به گروگان میگیرند. در کارخانه های صنایع دفاع نظیر باطری سازی، صنایع هواپیمائی، پنجا، پارچین، کارگران کارخانه های ماشین سازی، تراکتور سازی، لیفت تراک، کمپوز و غیره در تبریز، صنایع پشم و پیمان در اصفهان و بسیاری کارخانه های دیگر کارگران دست به اعتراض میزنند.

۴۰ ساعت کار و در روز تعطیل در هفته خواست محوری مبارزات کارگران را در تعدادی از کارخانه ها تشکیل میدهد که کارخانه ترانسس بیگ، ری اوواک در قزوین و توشیبا در زشت از آن جمله است. در شهر بوم ماه مبارزه حول خواست سودویژه در مقطعی خواست عمده بخشی از کارگران میگردد. لئونو انون سودویژه و تقلیل آن به دوم ماه پاداش مرده اعتراض تمام کارگران قرار میگردد ولی حرکت سراسری را بر نمی انگیزد.

آنچه در مبارزات کارگران در این دوره مشاهده میشود، مبارزات خود بخودی و غالباً فاقد شکل انقلابی کارگران است. در واقع پس از یورش حاکمیت به پورا های انقلابی و اجرای سیاست زد کردن شوراهای کارگران از این شکل انقلابی خویش بهره میگردند. هر چند که در هر مبارزه کارگری زمینه های تشکیل آن و ضرورتش برای کارگران مطرح میگردد. عامل دیگری که در این دوره از مبارزات کارگران بخوبی خود را نمایان میسازد عامل سرکوب است. از آنجائی که سیاستهای فریب کمتر

سرما به داری - براحتی - شور میهن پرستی شوینیستی از آنان بر می آید، اما واقعیت سرخسخت مبارزه طبقاتی کارگران را قدم به قدم در مقابل حاکمیت قرار داد. مبارزات پراکنده در اشکال متنوعی از اعتراضات فردی گرفته تا اعتصاب در مهر ماه شکل گرفت و حول خواستهای اتمام دی و مطالبات دمکراتیک جریان یافت. که از آن جمله است اعتصاب کارگران گروه صنعتی کفش ملی برای پاداش، اعتراض کارگران استاندارد علیه اجزای مدیریت و بدنیال آیدست گرفتن کنترل قسمت ها توسط کارگران، اعتصاب و کم کاری کارگران کارخانه عالی نسب برای سودویژه، تحمیل کارگران ایران با سابقه اخراج یک کارگر پیشرو، مبارزه کارگران ورزیده کار روتوشیبا در زشت علیه اخراج و تفتیش عقاید، اعتصاب کارگران سیمان دورود برای سودویژه و مخالفت با بازگشت یک مهندس فرست کارگر و غیره...

در این مقطع که از اوائل مهر تا نیمه آبان ماه بطول می انجامد خواستهای عمده کارگران جلوگیری از اخراج، افزایش دستمزدها (سودویژه، پاداش تولید و...)، اعتراض علیه آئین نامه های انضباطی و جوخه قتل حاکم بر کارخانه ها میباشند.

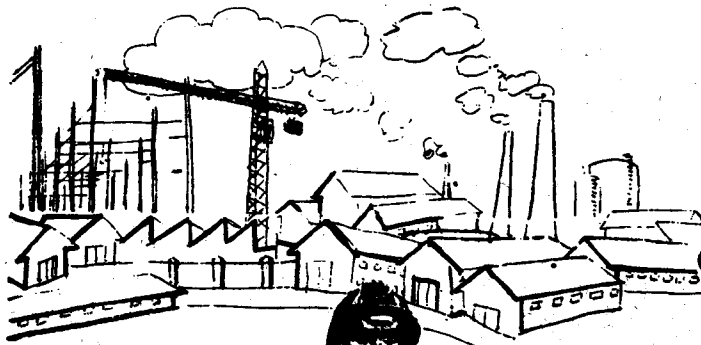
با ادامه جنگ و فقر فلاکت ناشی از آن زندگی کارگران را بسخت رسخت و دشواری میسازد. جنگ موج بیکاری، اخراج و تعطیل کارخانه ها را شدت میبخشد. کارگران شاغل نیز تحت این شرایط اعتماد خود را به تا می بین حداقل معیشت خود را آینده ازدست میدادند و حاکمیت در روزیورش به کارگران و تشکل های انقلابی آنان را شدت میبخشید.

با وخامت اوضاع اقتصادی بار معائب و مشقات بردوش کارگران قرار میگرفت و کارگران در تجربه روزمره خود درمی یافتند که دولت بر حاکمیت ماهیت طبقاتی اش نمی خواهد بار جنگ را بردوش سرمایه داران قرار دهد. جنگ حاصلی جز فقر، کراسی، آوارگی، بیکاری و ازدست دادن عزیزان در جنگ برای کارگران و زحمتکشان نداشت. کارگران بی اساس واقعیات ملموس و تجربیات شخصی اشان به ماهیت وعده وعیدهای دروغین رژیم جمهوری اسلامی در ساره حمایت از زحمتکشان و دفاع از میهن پی میبردند.

مبارزه کارگران علیه اوضاع فلاکت بار از نیمه دوم آبان با وسعت بیشتری آغاز شد. کارگران برای بهبود شرایط زندگی خود دست به عمل انقلابی میزدند. جنگ بتدریج بصورت مسئله فرعی در می آید و از میزان شور میهن پرستی شوینیستی

بقیه در صفحه ۱۴

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



# رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است



گونه‌ای خود بخودی و پراکنده اما با  
توانی افزایش یافته شدت می‌یابد.  
ولی فقدان اتحاد سراسری هنوز  
امکان مبارزه متحدانه و سازمان  
یافته طبقه کارگر را فراهم نیاورده  
است. نکته برجسته در مبارزات این  
دوره مبارزات کارگران مناطق  
جنگ زده است که پس از یک افست کوتاه  
دوباره شروع می‌گردد. مبارزه نفت  
گران جنگ زده جنوب، تظاهرات  
کارگران ترمینال اهواز، مبارزه  
کارگران سازمان آب و شرکت شناور،  
کارخانه قند و شکر، شرکت دی، صنایع  
فولاد، کشت و صنعت گریور... اغلب  
حول دریافت دستمزد عقب افتاده و  
اعتراض علیه اخراج بی‌رویه کارگران  
جریان یافت.

در اسفند ماه مبارزه برای سود  
ویژه بطور گسترده جریان داشت که  
مبارزه کارگران شرکت واحد برای  
بنقیه در صفحه ۱۶

محور خواسته‌های اقتصادی کارگران  
در این دوره افزایش دستمزد از کانال  
سود ویژه و عمدتاً طرح طبقه بندی مشاغل  
می‌باشد. مقابله با افزایش ساعات  
کار، حمایت از کارگران پیش‌پرو  
اخراجی و مبارزه علیه جوخه‌فغان و  
تفتیش عقاب و اعتراض به آتش‌سوزن  
خانه‌ها از خواسته‌های مهم کارگران در  
این دوره می‌باشد. در همین دوره نطفه  
های ناراضگی از جنگ خود را بصورت  
مخالفت با پرداخت یک روز دستمزد  
منعکس می‌کند. شکل عمده مبارزات  
این دوره اعتصاب است، که در کنگر  
آن اشکال دیگری از مبارزه چون  
جلوگیری از تولید و راهپیمایی نیز  
مشاهده می‌شود.

مبارزات کارگران در مناطق بهمین  
ماه و اسفند در سبترتگای ملی خود از  
خواستهای پراکنده فراتر رفته و  
مبارزه جهت دریافت سود ویژه، عیدی  
و پاداش در اغلب کارخانه‌ها به

## از صفحه ۱۳ بررسی مختصر

### جنبش کارگری ایران

کاسته می‌گردد. مبارزات اقتصادی  
و سیاسی کارگران توانا پیش می‌رود.  
مبارزه کارگران نذخانیات، کانا دا -  
درای، گروه صنعتی بهشهر،  
کارخانجات مقدم، گروه صنعتی  
کشتی ملی، کارخانه سیمان سپاهان  
و صنایع فولاد و گسترش مسکن در  
اصفهان، ایران ناسیونال،  
جیت جهان، جنرال موتورز، کارخانجات  
توشیبا، ایران کتف، پوش و  
ورزیده در کیلان، کارخانجات ری -  
اوواک و نیتینگ در قزوین، سیمان  
موفیان، کمبیزیت سازی توکلی در تبریز،  
کارخانه‌های ماشین سازی، چیهال و  
ایرالکودر اراک و... از آن جمله  
می‌باشد.

# بررسی مختصری از مبارزات کارگران صنعت نفت

در حدود ۱۰ سال پیش که امتیاز عملیات اکتشاف و استخراج، حمل و نقل و فروش نفت در ایران به بولیام ناکس داری و واگذار شد. صنعت جدیدی در ایران شکل می‌گرفت که امروزه با درگرفتن قریب ۶۵ هزار کارگر و کارمند، ۱۰ سال سابقه در ایران و نقش موثر و قابل توجهی در اقتصاد کشور قابل مقایسه با هیچیک از رشته‌های صنعتی موجود در ایران نمی‌باشد. تولید نفت از ابتدای شروع به بهره‌برداری از اولین چاه‌ها تاکنون حدوداً بیش از ده هزار بار افزایش یافته است - در سال ۱۹۷۴ تولید نفت ایران بطور متوسط رقمی معادل ۹۵۶/۵۱۲ بشکه در روز بوده است. ارقام محمده بوده‌اند کشور را همواره و بی‌خودم در سالهای اخیر در آمد نفت تشکیل می‌داده است. این مقدار چیزی معادل ۷۰ درصد درآمد های دولت بوده است. قطع مدور نفت به خارج در ماهیان آخر سال ۱۳۵۷ و کاهش تولید بطور کلی بر اقتصاد بحران زده کشور در رژیم شاه تا شیرات قابل توجهی بر جای گذارد و از سوی دیگر اعتبار سیاسی این رژیم را نیز قبل از سقوط آن بمقدار قابل ملاحظه‌ای کاهش داد. از اینرو پیوستن کارکنان صنعت نفت ایران به جنبش توده ای و سپس اعتصاب سراسری آنها در رسیدن جنبش به مراحل حساس و نهایی خود نقش برجسته‌ای داشته است. در سایر بخشهای صنعتی هرچند که اعتصابات و اعتراضات پراکنده‌ای حول محور و خواستهای صنعتی و گهگاه سیاسی صورت می‌گرفت اما تا آستانه قیام نیز این اعتصابات در کارخانه‌ها و سراسر کشور نشود و به اعتصاب عمومی نیانجامید، ما در اینجا به علت این امر نمی‌پردازیم. اما اینها با آوری می‌شویم که صنعت نفت ایران از این ویژگی برخوردار بود. انعکاس اعتصاب سراسری صنعت نفت نه تنها در ایران بلکه در جهان و در ارتباطه مستقیم با شرکت های بزرگ کارتلها و انحصارات نفتی قابل بررسی است از این لحاظ حرکت آرام و وزین کارکنان صنعت نفت که در اوایل نیمه اول سال ۱۳۵۷ شروع شده بود هم در صحنه مبارزات داخلی، هم در عرصه جهانی تا شیرات خود را بر جای نهاد. این حرکت بتدریج در سه ماه اول نیمه دوم سال به یک حرکت سراسری سیاسی انجامید. نتیجه آن اعتصاب عمومی در این صنعت بود که از پانزده آغاز شد و تا قیام بهمین ادامه داشت.

در این جا ابتدا مسیح نیروها را از طریق شعارهای سیاسی امکان پذیر نبود. حرکاتی که میتوان آنها را آغازگر اعتصاب سیاسی سراسری در این صنعت دانست ابتدا با طرح خواسته های صنعتی آغاز شد. این خواسته‌ها زمانی مطرح می‌شدند که جنبش توده ای قیام های موضعی در شیراز و قم را پشت سر گذاشته بود و به خواسته های سیاسی نسبتاً روشنی نیز دست می‌یافت. ولی این تاخیر در حرکت کارکنان صنعت نفت به سرعت و در عرض چند ماه جبران شد. کارکنان صنعت نفت با سابقه ای طولانی و با کوله باری از تجربه در امر مبارزه با رژیم آرام و متپن و سنگینی، ملایت یک حرکت پرولتری را از سوی پرولتاریای صنعتی، بنمایند. گذاشتند. اگر به وضعیت این صنعت و کارکنان آن نگاه می‌گذاشتیم و آنرا با سایر بخش های صنعتی و کارگران قسمت های دیگر مقایسه کنیم بسادگی می‌بینیم که کارکنان این بخش از صنعت از امتیازات ویژه ای برخوردار نبوده‌اند، سطح حقوق، قوانین پرسنلی، امکانات بهداشتی، مسکن بازنشستگی و غیره، و نیز امتیاز برخوردار از بیمه های دسته جمعی که در سایر بخش های صنعتی مرسوم و معمول نبوده است، کارکنان این صنعت را از دیگران متمایز می‌سازد. تا کید بر این امتیازات البته نباید پدیده معنای این تلقی شود که کارکنان صنعت نفت از استثمار سرما به داری بی‌بصیرت بوده اند. مسلم است که این امتیازات نیز خود نتیجه مبارزات کارگران صنعت نفت در طی سالهای متعددی و اهمیتی بود که رژیم برای این صنعت قائل میشد اما این مقایسه از اینرو صورت می‌گیرد که نشان داده شود، طرح خواسته های صنعتی یا انگیزه های سیاسی صورت می‌گرفت. این خود یک نمونه از هوشیاری و آگاهی کارکنان این صنعت در طرح شعارها و خواسته ها و درک موقعیت جنبش و روحیه تکارکنان بود و بدین ترتیب بود که پرونده ۲۴ صفحه ای خواسته های صنعتی کارکنان پالایشگاه تهران که در اوایل مرداد ماه ۱۳۵۷ به مسئولین شرکت نفت تسلیم شد. سرانجام پس از حدود ۴ ماه در سه خواست زیر خلاصه میشد.

- ۱- لغو حکومت نظامی
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی
- ۳- اخراج کارشناسان خارجی از این پس بود که این خواسته ها

همه جا تکرار شد در اطلاعیه ها و اعلامیه ها و قطعنامه ها محور اصلی را همین سه مورد تشکیل میداد. حرکت در این صنعت به یک اعتصاب کاملاً سیاسی، سراسری و همگانی تبدیل شد. اما پس از سقوط رژیم نیز مبارزه به سر دی نگذاشتید، هر چند که در تمام سطوح جنبش دیگری در سطحی معادل روزهای قیام جریبان پیدا نمی‌کرد اما این بدان معنا نبود که قیام بهمین نقطه پایانی بر مبارزات دموکراتیک - ضد امپریالیستی خلقها را برانجام داد. مبارزات کارکنان صنعت نفت نیز از این قاعده مستثنی نشد، از میان سه خواسته فوق، قیام بهمین ماه تنها دو مورد را پاسخ گفت، به عبارت دیگر قیام تحقق بخش کامل قطع و وابستگی نبود. کارشناسان خارجی هنوز هم کم و بیش باقی مانده بودند. قرار داد ملی نفتی با کشورهای امپریالیستی، بطور کلی لغو نشده بود، بهمین دلیل هم پس از قیام مبارزه بغا طرفی و وابستگی در چارچوب ملی کردن شرکت های امپریالیستی ادامه یافت. این مبارزه که تا سال ۵۸ با شدت و ضعف ادامه پیدا کرده بود پس از اشغال سفارت آمریکا تا ز به اوج خود رسیده و در خلال این مدت یعنی نزدیک به یکسال پس از قیام مبارزه با مقامات و مخالفت و زیر نفث و سایر مسئولین روبرو می‌شد. دولت موقت و نیز به اقدام موثری در مورد برآوردن این خواست کارکنان مبارز صنعت نفت بعمل نیاورده بودند، پس از نزی به هم معین فرارهای جزاها سابق در پیش نگرفته بود. بهمین دلیل شعله مبارزه برای مقابله با امپریالیسم ورشته های مستقیم پیوندش با اقتصاد ایران و آنهم اساسی ترین و مهمترین بخش آن هرگز خاموش نشد.

از این گذشته مدیرانی در صنعت نفت بوفور قیام فت می‌شدند که همگی دست پرورده امپریالیستها و آموزش دیده مکتب آنها بودند، طبیعی بود که کارکنان صنعت نفت نه تنها به اخراج کارشناسان خارجی و ملی شدن شرکت های امپریالیستی قناعت نمی‌کردند بلکه میبایستی مسئله این مدیران را نیز حل می‌کردند. آنها که سالها سال استمداد توری از جانب عوامل مزدور انبیا و اک در محیط کار خود احساس کرده و وابستگی مدیران این صنعت را از یک سو به دستگاه قبلی

بقیه در صفحه ۱۶

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران



### بررسی مختصری از مبارزات کارگران صنعت نفت

بقیه از صفحه ۱۵

واژسوی دیگری به سیستم تولید و توزیع امپریالیستی نفت در ایران اشاره کرده بودند بخوبی میدانستند که این مدیران در شرایط فعلی نیز تحت کنترل قرار نمی گیرند، تا در جهت منافع توده ها از تخصص و تجربه آنها استفاده شود. لذا مبارزه بجا طبر اهرچا و آکی ها و مدیران وابسته را نیز در برنا می گرا خود قرار دادند. آنها در این مبارزه تقدیر و تهنیتها را عمل کردند و تا آنجا پیش رفته که دو وزیر نفت و وزیر دولت موقت و شورای انقلاب نیز از گزند مبارزات آنها در امان نماندند.

پس از قیام که از لحاظ سیاسی قیام و پندها و قبلی تا حدودی با دیگران رزده شده بود در فضا نسبتاً با رسیا سی امکان حضور فعال در صحنه برای کارگران و کارمندان این صنعت فراهم بود، کارکنان این صنعت نفت با زهم نشان دادند که در عرصه سیاسی فعالند، شرکت وسیع آنها در راهیمنی ها و یخدا امپریالیستی و جنبشهای اول ماه مه خود با زگوکننده این واقعیت است. آنها در طول این مدت همواره مسائل صنفی خود را نیز دنبال کرده اند. و در عرصه های مختلف برای گسترش دموکراسی نیز دست به مبارزه زده اند، حمایت و پشتیبانی کارکنان این صنعت از شوراهای خود قویترین شوراها را که رگری در این صنعت در نوع خود بوجود آورده است. این شوراها بعنوان نمایندگان بخش عظیمی از کارکنان این صنعت در حرکات و اقدامات مستقیم خود به خوبی رزی جلوه های متعددی از کنترل کارگری را بنمایش گذاشته اند. اقدام مستقیم کارکنان این صنعت نفت آبادان برای تعطیل پنجشنبه ها، اقدام مستقیم شورای بخش باحما بیت ۱۲ هزار ریفراز کارکنان این قسمت در اخراج ده نفر مدیران و مسئولین بخش، اقدام مستقیم شوراها و شرکت های امپریالیستی در جهت ملی کردن آنها و نمونه های دیگری از این قبیل تا درخواست نما پندگرجگان شوراها برای شرکت در شورا ای تفسلاب همه و همه نشان دهنده سطح بالای مبارزه در این صنعت و عمق و وسعت آن است، حمایت شورا ای مختلف از اقدامات شورا ای بخش در مورد اخراج مدیران قسمت، حمایت شوراها از اقدامات کارکنان شرکت ها چند ملیتی برای ملی شدن آنها، حمایت شوراها و اقدامات مشترک و پیگیری آنها با ای اخراج افسران ساواکی ها و مدیران وابسته، و هم منظور حمایت شوراها از خواست تعطیل جشنه

ها یکی از ویژگیهای مشخص و بارز مبارزات کارکنان این صنعت است که از طریق وجود و حضور فعال شوراها صورت میگیرد. حمایت شوراها از اقدامات یکدیگر، که در این بخش از صنعت متداول است. در سایر بخشها و صنایع بعلاوه پراکندگی و عدم ارتباط آنها با هم و نیز بعلاوه عدم وابستگیهای پر شده ای موضوع دیده نمیشود. نتیجتاً اگر بخوانیم بطور خلاصه آنچه در مورد مبارزات کارکنان صنعت نفت بین نگردیم جمع بندی کنیم، با دیدگوشیم که الف: حرکت کارکنان پس از قیام در جهات ریز در خلاصه میشود؛ ۱ - ملی شدن شرکت های وابسته و اخراج بیما نگاران. ۲ - پاکسازی اخراج مدیران وابسته و آکی ها. ۳ - شرکت فعال در حرکات سیاسی. ۴ - مبارزات صنفی... در این حرکات به خوبی داده شده طرح خواسته ها و حرکات قبل از قیام را مشاهده می کنیم. به عبارت دیگر داده شده کشاکش بین انقلاب و فدا انقلاب در مبارزات کارکنان پس از قیام به خوبی نمودار است.

ب: از ویژگیهای حرکات این بخش صنعتی پیوستگی و رابطه مستقیم بخش های مختلف با هم و حمایت و هم بستگی شوراها است که از قدرت و توان قابل ملاحظه ای برخوردارند.

پ: حرکات صنفی صنعت نفت صورت گرفته عموماً تحت رهبری شوراها بوده است. هر چند در این بخش از صنعت سندیکاها نیز وجود داشته و در برخی قسمت ها فعالیت زیا دیده شده اند اما حرکات سیاسی حتی در آنجا که سندیکا فعال است با همکارین نزدیک سندیکا و شورا و از طریق شورا صورت گرفته است.

ت: در حرکات شوراها نمونه های مشخص و بارز از کنترل کارگری در زمینه های مختلف دیده میشود. از آنجا که بخش عمده نیروی انسانی

و تجهیزات و جاها یافت، بنا در و اسکله ها در جنوب ایران قرار دارد، با لطیف جنوب همواره مرکز شغل مبارزات نفتگرا نبوده است. پالایشگاه آبادان بجا طرفداری و کثرت کارکنان در این مبارزات نقش برجسته ای داشته است. یکی از نتایج جنگ ایران و عراق انهدام این بخش صنعتی است که بر چگونگی مبارزات نفتگرا تاثیر منفی خود را برجای گذاشته است.

پالایشگاه آبادان تا در زمانه نفتگرا ایران نبوده است. جنگ ارتجاعی ایران و عراق علاوه بر خسارات ما دیواران، باعث سرگردانی، آوارگی، و اهمال کاری مبارزات این صنعت و کارکنان مبارزات آنها نیز شده است. مسلماً این فاجعات بر کل حرکت صنعت نفت تا شایر میگذارد. بخش عظیمی از نیروی خود ۱۲ هزار خانوار نفتگرا جنگ زده صرف تهیه ابتدائی ترین مکانات زندگی خواهد شد و این خود آنها را از ادامه مبارزه در ابعاد و اشکال قبلی محروم میگرداند، هر چند که راهها و اشکال جدید مبارزه و خواسته های دیگر آنها ضعیف شده و پیش از پیش به واقعیت آنچه که در اطراف شان میگذرد پی خواهد برد. مسأله کوتاه مدت جنگ و تا ثرات منفی آن بر مبارزات کارگرا را نیز بخش باران رحمتی است که رژیم از نیرآب می شود، و برکات جنگ را در آن میجوید. اما این همه بدان معنا نیست که حرکت مبارزه در این بخش از صنعت در میان کارکنان زنجار و روقفه گردد. نفتگرا مبارز هم اکنون با ادا مبارزات خویش با استحکام شوراها، با هوشیاری به حرکت متین و آرا خود داده می دهند. آنچه در آینده انتظار می رود این است که با زهم کارگرا این صنعت نفت هر چه در مبارزات کارگرا ایران باران باشد.

توده های کارگرو صحت میگیرد. کارگران نسبت به گذشته به میزان زیادتری جلوگیری از خروج تولید را بکار میگیرند. سرکوب مستقیم کارگران توسط سپاه و کمیته ها به پیش از هر دوره ای به کار گرفته میشود. در این مبارزات روح جنگنده، اشتیاق و نظم در توده های کارگرو افزایش می یابد در برخی موارد آنها اصلی ترین و عمومی ترین خواست خود را با انتخاب بهترین موقع مبارزه و مقاومت و با شور و شوق به پیش می برند. گذار به جانب مبارزه ثابت و استوار (طول مدت، زمان مبارزه) از ویژگیهای مبارزات این دوره است. در این مبارزات کارگرا شروع به درک آگاهانه این مطلب میکنند که تقاضای اشتیاق پذیر بین منافع آنها و تمامی طبقه سرما به دار و دولتشان موجود است.

### بقیه از صفحه ۱۴ بررسی مختصر

### جنبش کارگری ایران

در یافت عبیدی با داش برجسته ترین نمونه آن است. رشد مبارزات کارگران، نیاز به سازمانی را در کارگرا تقویت میکند. و به همین دلیل مبارزه برای کسب سود و بهره، به مبارزه جهت ایجاد شوراها ای انقلابی منجر میگردد. عمومی ترین خواست کارگران در این مقطع سود و بهره، عبیدی با داش و طرح طبقه بندی مشاغل است و در کنار مبارزه برای این خواسته ها مبارزه برای انتخاب شورا و تشکیل شورا و جلوگیری از اخراج جریان دارد. شکل عمده مبارزه در این مقطع اعتصاب است با شرکت فعالان

# پداشت، مسکن و نان برای آوارگان تأمین باید گردد



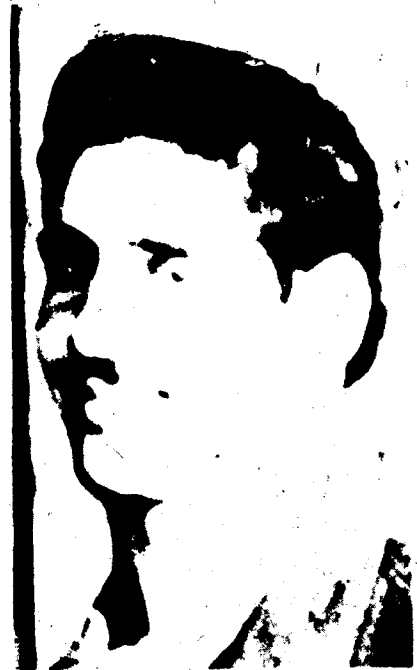
## شهدای کارگر

بقیه از صفحه ۲۰

مفاتیخ نژادانی با حمله به پاسگاه  
سیاهکل، حرکت نوین جنبش  
انقلابی ایران را آغاز کرد.  
رفیق جلیل پس از دستگیری و تحمل  
 شکنجه های وحشتناک سرانجام در ۲۷  
اسفند ۴۹ بدست مزدوران شاه خائن  
تبریز اربابان شد، اما شهادت و جرات  
انقلابی، مبارزات و خاطره  
تابناکش همواره در سینه تمام  
کارگران میهن، زنده و جاودان  
است.

یادش کرامی باد

## ★ فدائی شهید رفیق اسکندر صادقی نژاد



رفیق اسکندر صادقی نژاد از  
چهره های درخشان جنبش نوین  
کارگری و کمونیستی ایران است  
اونیزهما نندرفریق جلیل انفرادی  
مدتی دبیرسندیکای کارگران  
فلزکارومکانیک بودودراین مدت  
کوشش های بسیاری دراعتلا آگاهی  
وتشکل کارگران نمودودراحقنای  
حقوق کارگران، مبارزات فراوان  
کرد.

رفیق اسکندر صادقی نژاد،  
نخستین کارگری بودکه با آگاهی  
انقلابی خودبه وقت مبارزان مسلح  
بیوست. فقر، رنج، استثمار و  
سرکوب خشن و پلیسی رژیم شاه  
به او یاد داده بودکه: "فهرست  
انقلابی را با بدست قهرمانقلابی پاسخ  
گفت". براین اساس او به سازمان  
چریکهای فدائی بیوست و درمبارزه  
با رژیم جلادانه فداک ریهها و  
جانبا زینهای بسیار نمود.

با آغاز زندیش مسلحانه سیاهکل،  
رفیق اسکندر در رژیم شهرت  
فعالیت های انقلابی و مبارزاتی  
خود ادا نموده داد. رفیق اسکندر  
صادقی نژاد سرانجام در تاریخ  
سوم خرداد ۱۳۵۰ در یک نبردنا برابر  
با مزدوران ساواک، شهادت رسید.  
آگاهی و کینه طبقاتی او  
شهادت واراده، استوارش اینست  
چراغ راه همه کارگران و زحمتکشانی  
است که بر علیه هرگونه استثمار  
و استثمار مبارزه می کنند.

یادش کرامی و خاطره اش جاودان باد.

## ★ فدائی شهید

## رفیق حسن نوروزی

رفیق حسن سال ۱۳۲۵ در بیست  
خانواده کارگری در شهران بدست  
آمد. پدرش از کارکنان راه آهن  
و از فعالین جنبش کارگری و عضو  
حزب بوده بودکه در اوایل سالهای  
۳۵ با پی بردن به فرصت طلبی و خیانت  
رهبران حزب توده، از آن کناره گیری  
کرده بود. بدین ترتیب رفیق حسن،  
در یک خانواده سیاسی و آگاه، پرشد  
و پرورش یافت.

زندگی رفیق حسن نوروزی از  
همان دوران نوجوانی، با  
کارگری و رنج سپری شد. او پس از  
چندسال کار در شهرهای جنوب مانند  
بوشهر، کرمان و شیراز سرانجام به  
تهران آمد و در کارخانجات شاه پیوست،  
بکارگری پرداخت. او بعنوان کارگر  
"شبکار" یکسال تمام از نیمه شب  
تا صبح در این کارخانه کار کرد و در  
این مدت رنج و استثمار را بخوبی  
تجربه کرد. رفیق، مدتی بعد در  
راه آهن دولتی، استخدام شد.



تحریک، شور و آگاهی انقلابی اش و  
سرخسختی او در برخورد با مشکلات  
جنبش کارگری، از بارزترین  
خصلت های رفیق نوروزی بود. او در  
این زمان با گروه سیاسی رفیق  
احمدزاده ارتباط برقرار کرده و به  
عضویت این گروه درآمد. در سال  
۱۳۵۰ رفیق حسن نوروزی در مرکزیت  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
قرار گرفت. او بخوبی نشان داد که  
کارگران ایران قادرند که در  
رهبری مبارزات خلق شرکت کرده  
و در سازماندهی و تشکیل آنان نقشی  
مؤثر داشته باشند.

رفیق حسن نوروزی در تاریخ ۱۹  
دیماه ۵۲ در یک درگیری مسلحانه  
با مزدوران شاه در لرستان به  
شهادت رسید. او در این نبرد  
تا بر ابر صحنه پرشکوهی از دلآوری -  
فرزندان راستین خلق را به  
نمایش گذاشت.

یادش کرامی و خاطره اش جاودان باد

## ★ فدائی شهید

## رفیق یوسف زرکاری

رفیق یوسف سال ۱۳۲۱ در  
خانواده ای کارگر بدست آمد. سرگ  
زودرس پدر باعث شده که رفیق از ۹  
سالگی با فقر، رنج و ستم طبقاتی  
آشنا شود. با مرگ پدر، رفیق  
مجبور شد که از آغاز کودکی برای  
تامین مخارج خانواده اش، بکارگری  
بپردازد. او ضمن کار در کارخانه  
ها علاقه بسیاری بدرس و مدرسه  
داشت اما شرایط سخت زندگی و وضع  
بدخانواده اش باعث شده که رفیق  
تنها تا کلاس یازده درس بخواند و از  
ادامه تحصیل محروم بماند.

بقیه در صفحه ۱۸

استقلال - کار - مسکن - آزادی



خوبش را در ایران ادا می دهد. در سپیده دم یکی از روزهای شهریور ماه ۵۳، هنگامی که رفیق ایرج سپهری به اتفاق رفیق دیگر از مرز آسپادان وارد ایران شد مورد سوءظن پلیس شاه قرار میگیرد که به درگیری با پلیس منجر میشود رفیق ایرج و رفیق همراه او با وجود بیماری و گرما زدگی ساعتها در شهر آبادان با مزدوران شاه و پاسبانان و شهرپا نی به نبرد دلورانه پرداختند و چندتن از مزدوران را به شهادت رساندند. آنان با مقاومت و قهرمانانه خود دشمنان حقیر خلق را برانورد و آوردند و با فریادها و شعارهایی چون "مرگ پسر شاه خائن"، "زنده باد مبارزات رهایی بخش خلق" مردم را از چگونگی این نبرد آگاه کردند.

رفیق ایرج سپهری برای اینکه زنده بدست دشمن نیفتد، در حالیکه فریادهای پر خروش شهر آبادان را به لرزه در آورده بود، سرانجام با کشیدن ضامن نارنجکی بزندگی خود خاتمه داد. بدین ترتیب: حماسه پر شکوه رفیق ایرج سپهری با حماسه خونین سه برادر دیگرش که در سالهای مختلف بشهادت رسیدند، بهم میخست.

راهش جاودان و خاطره اش گرامی باد

## ★ فدائی شهید رفیق اصغر عرب هرسی

رفیق اصغر در یک خانواده کارگری بدینیا آمد. وضع اقتصادی خانواده اش باعث شد که بقیه در صفحه ۱۹

یکسال زندان خود را در جزیره ای با نام "خاطرات یک چریک در زندان" منتشر ساخت. این کتاب نامسودار آگاهی، هوشیاری و جسارت انقلابی رفیق زرکاری می باشد. رفیق یوسف زرکاری سرانجام در تاریخ ۱۷ دیماه ۵۳ در یک شب در مسلحانه با ما موران ساواک امفهان بشهادت رسید. رفیق بهنگام شهادت فقط ۲۱ سال داشت.

بادش گرامی و نامش جاودان بساد

## ★ فدائی شهید رفیق ایرج سپهری

رفیق ایرج سپهری متولد ۱۳۲۲ در شهر باغی متولد شد. او از آغاز جوانی بکارگری پرداخت. رفیق در شرایط کار و محیط کارخانه با رنج، تنگ و استقامت و خوبی آشنا شد و برای بهبود زندگی کارگران به تلاش و مبارزه پرداخت. از این روز رفیق سپهری هیچگاه کارگری آرام، مطیع و سرسبز نبود. عشق عمیق او به طبقه کارگری کینه بی پایانش به نظام سرمایه داری، از او انسانی آشتی ناپذیر، انقلابی و مبارز ساخته بود.

رفیق ایرج سپهری در جریان مبارزات خود با سازمان چریکهای فدائی خلق پیوست و راه مبارزات برادران انقلابی خویش (سیروس) فرخ و فرهاد سپهری را دنبال کرد. در سال ۱۳۵۰ رفیق ایرج یوسپه، مزدوران ساواک دستگیر و مدتی زندانی شد. او خود، در این باره می گفت: "زندانی برای من آموزشگاه بزرگی بود".

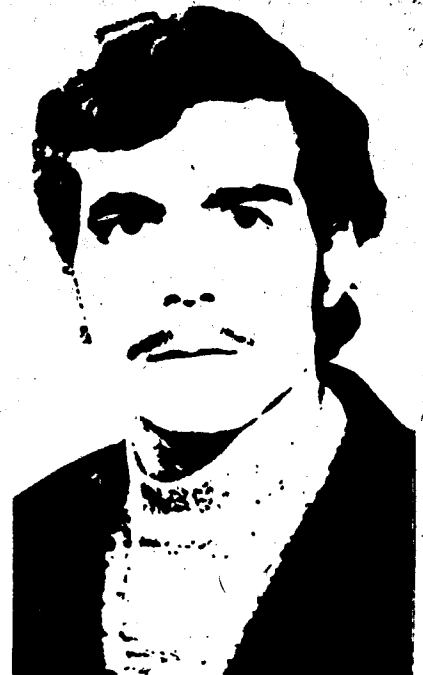
پس از آزادی از زندان ارتباط او با سازمان قطع شده بود، تلاشهای بسیار رفیق برای ایجاد ارتباط مجدد با سازمان، بجائی نرسید لذا تصمیم گرفت برای ادامه مبارزات انقلابی خود به فلسطین برود. او زن و دو فرزندش را - که بسیار بهم آنها عشق می ورزید - ترک کرد تا پیوند گسترده تری را با خلقها آغاز نماید.

رفیق ایرج سپهری بخاطر شجاعت ها، فداکاری های افتخار آمیزش در جبهه فلسطین، بدرجه سروانی نایل شد. رفیق خود چنین می گفت: "بهترین روزهای زندگیم، آن روزهایی بودند که به عملیات می رفتم و به نافع اشغالگران اسرائیلی ضربت وارد می کردم". پس از پایان دوره در جبهه فلسطین، رفیق سپهری تصمیم به بازگشت به میهن میگیرد تا مبارزات



## شهادت کارگر

بقیه از صفحه ۱۷

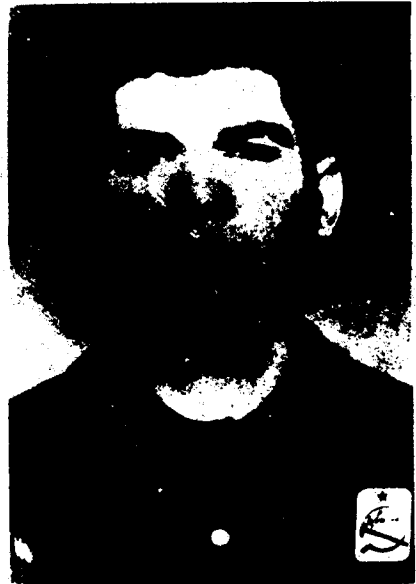


واقعیات خشن استثمار و فقر و کسارت طاقت فرسا در کارخانه، خیلی زود - آگاهی و کینه طبقاتی رفیق یوسف را بارور ساخت. با آغاز جنبش مسلحانه سها هکل، رفیق یوسف با توجه به کمی سن خود، مشتاقانه با سازمان چریکهای فدائی خلق پیوست و در مبارزه با رژیم دیکتاتور شاه از نخستین کارگران بود که بفراتر از انقلابی روی آورد. پس از مبارزات پرشکوه، رفیق در سال ۱۳۵۰ توسط مزدوران ساواک دستگیر و شکنجه و زندانی گردید. او پس از یکسال از زندان آزاد شد و با تلاش فراوان بار دیگر توانست با سازمان چریکهای فدایی تماس بگیرد. پس از نشاط مجدد با سازمان، رفیق یوسف تجارب -

# پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

# شهدای کارگر



رفیق تادوره اول متوسطه بیشتر درس نخواند. رفیق اصغر در آغاز نوجوانی برای نامین مخارج زندگی خانواده اش در یک کارگاه آهنگری بکار پرداخت. آشنائی با رفقا: مددبهرنگی و علیرضا نابدل در آگاهی و اعتقالاتی دانش سیاسی او بسیار موشربود، این آشنائیهو ارتباط، زمینه پیوستن رفیق اصغر بسا زمان چریکهای فدائی خلق بود. رفیق اصغر، کارگری آگاه و مبارزی پرشور بود. او در حمله مسلحانه، بکلانتری تبریز با دیگر رفقا شرکت فعال داشت.

رفیق اصغر عرب هر بی در بهار سال ۵۵ دستگیر شد، حماسه مقاومت و پایداری او در زیر شکنجه های وحشیانه، جلا دان ساواک، نمونه درخشانی از ایمان استوار کارگران به سوسیالیسم و طبقه کارگر میباشد. در سرگاه ۲۲ اسفند ۵۵ رفیق اصغر و ۸ تن دیگر از رفقای فدائی بدست مزدوران رژیم شاه تبریز با ران گردیدند.

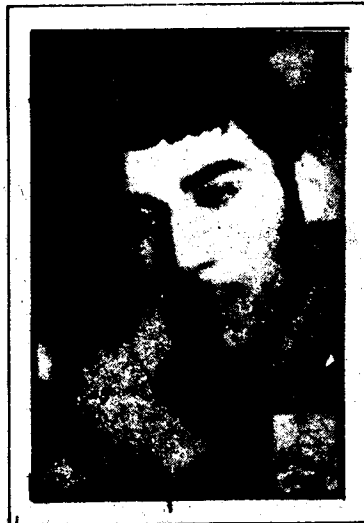
آرامش سرخ و یادش گرامی باد.

## ★ فدائی شهید رفیق جعفر اردبیلی

رفیق جعفر در یکی از محلات فقیرنشین تبریز بدنی آمدم و تحصیلات ابتدائی خود را در همان شهر بیابان رسانید. شرایط سخت خانوادگی و اجتماعی رفیق، خیلی زود او را با فقر و محرومیت توده های زحمتکش آشناساخت. عشق عمیق او به خلق و کینه بی پایان دشمنان خلق،

از او انسانی متعهد و مبارز با خسته بود.

رفیق، مدتی بعنوان کارگر در یک آهنتری بکار پرداخت و بعدها به عضویت سازمان چریکهای فدائی خلق درآمد.



رفیق جعفر در بهمن ماه ۴۹ همراه با رفیق مناف فلکی و دیگر رفقای فدائی در اولین عملیات مسلحانه بکلانتری تبریز شرکت کرد. او در سال ۱۳۵۰ دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه های وحشیانه، در ۲۲ اسفند ماه همان سال به همراه ۸ تن دیگر از فدائیان خلق، بدست دشمنان رژیم شاه، تیرباران شد.

خاطره اش جاودا نباد

## ★ فدائی شهید: رفیق جهانگیر قلعه میان دو آب (جهان)

رفیق جهان بسال ۱۳۲۲ در خانواده ای زحمتکش در میان دو آب بدنیا آمد. شرایط سخت زندگی خانوادگی و اجتماعی رفیق و زندگی او در میان توده های زحمتکش، از رفیق جهان، انسانی آگاه، سرسخت و مبارز ساخت. بزاین اساس، رفیق جهان که کارگر لوله کشی تا سیات بود بعنوان یک کارگر پیشرو و آگاه، زندگی خود را وقف آگاهی، تشکل و مبارزات کارگران ساخت.

او انسانی انقلابی و پرشور بود که در هیچ شرایطی به سکوت و سازش تن نمیداد. از این رو در سال ۵۳ هنگام لوله کشی یک حمام در یکی از روستاهای سنندج، بخاطر دفاع از دهقانان بدستوراندار وقت به زندان افتاد اما مبارزاتی گسری و شکایت متعدده دهقانان، رفیق را قز

زندان آزادند. رفیق جهان در ادامه مبارزات خود بر علیه رژیم شاه، به تشکیل یک گروه کارگری هوادار سازمان پرداخت که "گروه روزنه" نام داشت. او ۵ ماه پس از تمام بهمن ۵۷ با سازمان مستقیم برقرار کرد و از آن پس در سخن تشکیلات کارگری سازمان فعالیت و مبارزه کرد.

رفیق جهان نمونه یک کارگر آگاه بمنافع طبقاتی خود بود از این رو در مقابل سیاستهای تسلیم طلبانه، سازگارانه و خائنانانه "کمیته مرکزی" ایستاد و بر علیه آنها شدیداً مبارزه کرد. او هیچگاه با کسانی که بمنافع طبقه کارگر نیست میگردند، سرسازش نداشت به همین علت جناح اپورتونیست "اکثریت" را طرد کرد و از خط مشی انقلابی سازمان دفاع نمود.

رفیق جهان، یکی از اعضای فعال و برجسته تشکیلات کارگری سازمان بود. تحرک، سازماندهی، اعتبارات و اعتراضات کارگران، تبلیغ و ترویج ما به رانه سوسیالیسم و اصول سازمانی و روحیه پرشور مبارزاتی، از خصلت های بارز او بود. او بدستی یک "فدائی خلق" بود.

رفیق جهان در میتینگ سرخ و خونین ۱۷ بهمن سازمان - به مناسبت سالگرد قیام مسلحانه خلق و بزرگداشت رستاخیز سیهکل ( در میدان آزادی) یکی از مسئولین انتظامات میتینگ بود. پس از پرورش مسلحانه و وحشیانه پاسداران و چماق بدستان جمهوری اسلامی به میتینگ بقیه ده، صفحه ۱۱





# شهدای کارگرسازمان چریکهای فدائی خلق ایران



**مرگم :  
سپیده دیگری ست -  
تا خونم**

**پرچم سرخ کارگران باشد**

**در انقلاب روشن فردا**

بوسیله رژیم جمهوری اسلامی ، همه و همه ، نموداری از ما هیت فکری خلقی و ضد کارگری حکومت های سرما به داری است . جنبش کارگری - کمونیستی ایران ، چهره های تابناک و کارگران قهرمانی را در خود پرورش داده که ایما به سوسیالیسم و اعتقاد به رهائی طبقه کارگر ، یگانگی آرمان انقلابی آنها نبوده است . در روز نخست اول ماه مه ، بانیادی از کارگران شهید فدا شد ، آرمان و خاطر سرخشان را گرامی میداریم .

سرکوب و وحشیانه حکومت های سرما به داری بوده است : کشتار کارگران مبارز صنعت نفت (در قیومگاه ۱۳۲۵) کشتار روحشانه کارگران جهان چیت (در اردیبهشت ۱۳۵۰) حمله خونین و ددمشانه مزدوران رژیم شاه خائن به کارگران مبارز و اعتصابی کارخانه نساجی قائم شهر (در تیرماه ۵۲) و همچنین حملات گسترده و خونین به اعتصابات ، اعتراضات و تحصن های کارگران ، سرکوب شوراها و اقمی کارگران ، ترورها و کشتارهای وحشیانه کارگران مبارز و آگاه

از سال ۱۸۸۹ میلادی (که روز اول ماه مه بعنوان روز جهانی کارگران شناخته شد) تاکنون ، جنبش کارگری جهان فراونشیت های فراوانی را به پیروده است . در این مدت ، چه بسیار اعتصابات و مبارزات کارگری بوسیله حکومت های سرما به داری بخسبون کشیده شدند و چه بسیار مبارزانی نیز که علی رغم سرکوب و کشتار کارگران به پیروزی رسیدند . جنبش کارگری ایران که جزئی از جنبش کارگری جهان است از آغاز تاکنون ، همواره مورد هجوم و



## ★ فدائی شهید رفیق جلیل انفرادی

کارگر خوشکار ، رفیق جلیل انفرادی بسال ۱۳۲۲ در خانواده ای فقیر و زحمتکش بدنیآ آمد . دوران کودکیش سرشار از رنج و محرومیت بود و ما درش علی رغم عشق و علاقه فراوانش به جلیل ، بخاطر فقر و تنگدستی نتوانست سرپرستی فرزندش را ادا بدهد ، لذا مجبور شد جلیل را به پرورشگاه ببرد . رفیق جلیل قبل از آغاز مبارزه مسلحانه ، مدتی از اعضاء موشگر گروه "کاه" بود . این گروه انقلابی بوسیله رفقا : مفاتی فراوانی ، اسکندرمادقی نژاد و کلانتری بوجود آمده بود . از این هنگام سرنوشت سرخ رفیق جلیل با سرنوشت خونین رفیق مفاتی فراوانی و به خصوص اسکندرمادقی نژاد پیوند یافت . فعالیت رفیق جلیل و رفیق اسکندر مادقی نژاد در سندیکا کارگران فلزکار و مسکانیک ، فصل جدیدی در مبارزات سیاسی این دور رفیق بود ، آنها بعنوان دبیران سندیکا ، مدت ها برای تامین حقوق کارگران

رفیق جلیل انفرادی از سال ۱۳۴۴ در تماس با گروه جزئی - ظرفی قرار گرفت ، پس از دستگیری این گروه در سال ۴۶ و با تجدید سازمان گروه در سال ۱۳۴۷ ، رفیق به فعالیت انقلابی خود ادامه داد . در ۱۹ بهمن ۴۹ رفیق جلیل همراه با دیگر رفقای مبارز و برهبری علی اکبر بقیه در صفحه ۱۷

فلزکار و مسکانیک مبارزه کردند . از اقدامات برجسته رفیق جلیل انفرادی و رفیق اسکندرمادقی نژاد در دوران فعالیت سندیکائی خود - ایجاد یک سازمان کوهنوردی کارگری بود . این سازمان در سال ۱۳۴۲ - پناهگاهی برفراز قلعه توچال ساخت که آنرا "پناهگاه کارگر" نامیدند و هنوز پناهگاه و برقرار است .

نابود باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی